

۲۱

۶۸۸

س

۲۴۹



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



احزاب و زمره کتاب الدرس

درد فتر کتب کتابخانه نه علی

۲۱۶۸۸

بشماره

ثبت گردید



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
لولا فضل الله
والرحمة الواسعة

صو خط شريف هذا في الأنام حجة الأولينا أفاضنا
شرف في خام ظل العالی البین

بسم الله الرحمن الرحيم
فلان و...
اللهم...

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على نبيه وآله الطاهرين و...
انك مطور و...
من احقر فضل الله التوكل...
استغفر من خط شريف جناب سبطاب حجة الاسلام
والمسلمين سیدنا الاسلام وادام الله ظلالة على رؤس
المساك ورجوب عنا لمیکر از نواحی مختلفه...



مرفوع فرموده اند اگر چه جمله از اینها مثل مردمان
 علیه ایشان بالفارست و البرقه مذکور است لکن
 چون عباد ایشان نافس الفلک بن بل الخمد
 و حجت نقل افتخار شد و امید اجر و ثواب است
 الله تعالی مسئله ذوال عین نجاست از حیوان
 طاهر غیر انسانی مطهر است بانه حیوانی است و الله تعالی
 بعد از ذوال محکوم بطهارت مسئله شخصی
 مدتی نماز جماعت کرده و قصدش این بود که اگر بگوید
 یا امام فرسد نماز شرعاً بر هر فرد نماز شرعاً است
 جواب این که بحاله منظر می آید صحیح است ان شاء الله تعالی
 مسئله شخصی نماز قضاء بر زخم دارد و حال قوه
 ندارد که خود بکند یا با قبل از فوت میدواند فائده
 بگوید بجهت نمازهای قضا جواب این که غیثو باید
 بقدر مقدور بخوبی بکند مسئله شخصی بگوید

او است و قوه و توانائی ندارد که هیچ روزی با میبایست
 نایب بگیرد در جهات خود **جواب** اگر بر او صحیح
 شده بود و عاقل است و نمیتواند بر او باید نایب بگیرد
 و با عاقل است و از احیاء طمأنینه در استغناء است
 الله تعالى العالم **مسئله** زمین حوض و آب مباح
 لیکن یکم حوض با جر و اهک منقبض و درست شده
 لیکن در وقت وضو گرفتن در هر حوض محل جاوین است
 و همچنین محل ریختن آب مباح است با وضو صحیح است
 با باطل **جواب** اگر محل وضو و آب ریختن مباح است
 و خارج از حوض و منقبض است آب در آب حوض که اگر
 بخواهد آب بگیرد هست که وضو بگیرد وضو صحیح است
 و اگر آب از حوض در ظرف دیگر کند اشکالی در تحت
 وضو نیست **مسئله** زمین بجز که باران نمیکند
 و آفتاب نمی تابد مثل تحت خانه آفتاب است آب بر آن

نافه کرد و گذاشتن تا بختکد سه دفعه پاکست پانه
 و بر فرض عدم طهارت چگونه باید پاک کرد بغیر کند
 جواب اگر سست که غسل در آن همانند پاک
 نمیشود آب فیل و اگر سست دو مرتبه آب بر آن
 بریزند تا منتهی شود و هر دفعه غسله اش را بگیرد
 اگر چه باینکه کودکی در یک گوشه اش بکشد که غسل
 در آن جمشود بعد کوفال را بخاک طاهر بر کنند و الله
 تعالی العالم مسئله افتاب زمین را که خشت و حجر
 و سنگ فرش کرده است مطهر است پانه و در پیخیر
 منصوص در حکم زمین است پانه جواب مطهر همه
 اینها است مسئله اشیاء منابعه مضافه مثل کلاه
 و شپردانها اگر بر وجه زمین باشد نجاست
 از تحت بقوف سرایت میکند پانه مثلا از کلاب پاش
 بدست کافه کلاب میدهند کلاب پاش پاکست پانه

واری

جواب



جواب سزاوت نمیکند و الله العالم مسئله در
تکاد عادل هم غیر شد و شقاق هم بین الزوجین میسر
که لا بد است از طلاق چنانچه باید کرد و طلاق که اصل
میدهند باین نحو که میگوید مطلق بزوجه بفارمی که
نوز وجه خود را مطلقه به طلاق فری و میگوید
بفارمی یا چه صورت دارد جواب در طلاق خصوص
دو عادل صبر است علاوه بر شرایط دیگر رجوع سلب
دیگر نمایند که عادل در او باشد و بطلاق اصل است
شبهه نمیشوند انکضا کند طلاق بدهد بلی با طلاق که
انها بطریق خود و آنچه شرع آنهاست زفای خود را
طلاق گویند اما معامله طلاق صحیح نمیکند یعنی بعد
از انقضاء عده تزویج نمیکند آن زهار را بجهت خود و
بجهت غیر خود **مسئله** شخص میداند که طلاق در خصوص
عادلین که داده اند عادل نیستند یا میتوان دانستن



بمجلس

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران



بجهت خود یا جهت غیر عقد نماید یا نه جواب نمیشوند
مسئله یکم که اب و دو خانه دارد آیا هر کس میشود
شوق نماید و اب را بجهت ادای خود ببرد یا نه حاکم
شرع یا موقوف بر اذن حاکمست جواب ظاهر اینست که
شوق هر از دو خانه اناوقف بر اذن حاکم نداشته باشد
اگر مانع دیگر نداشته باشد مسئله نماز صبح
فنا شده است و قضاء دیگر دارد آیا باید قبل از
نماز ظهر و عصر قضا و سجده بخواند یا نه و میکند
قضاء ظهر و عصر بالنسبه بمنزله عشاء جواب
از مشر معلوم نیست اگر چه موافق احتیاط است لکن
اکتفا بهین نمایند در وقت بجا آوردن قضاها
این را نیز در محل خود شر بکنند مسئله دیگر
که بعضی اشخاص فائند که شبعه اگر فنا و او طویر
نماز و نماز صبر میکنند و بدو بهر هم میرد اهل بیت



زیرا که شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله شامل
 حال او است و اگر این مناهج هر یک بشود خود از اهل
 نجاست و محتاج به شفاعت نخواهد بود و با این طاعت
 ملاقات بر طوبی جایز است بانه جواب جایز است
 چو معلوم نیست این مقاله کفر باشد یا مسئله بلکه
 ظن بجاست غالب مردم هستند ولی در اجتناب عسر
 شد است با هجرت از آن بلد واجب است بانه جواب
 بجز در مظنه حکم بجاست نمیتوان نمود مسئله
 در یک مصاب اهل سنت است و کردن کوشش می کنند
 و بهمان کار که میرسد پیوست میکنند و قطعه
 کرده می فروشند شخصی از همان گرفته و طنج کرده و می
 دانیم که کوشش در نظهر شرعی کرده بانه و شخص را
 بضایف می طلبد یا خوردن آن طعام جایز است یا نه
 جواب جایز است مادامی که علم بجاست نداشته باشد



مسأله نوزدهم طرفی العقد جایز است یا نه و علی الشک
 هل یختص بعقد النکاح ام یجری فی کل العقود **جواب**
 در نکاح محل الخطا طست و در باقی عیوب **مسأله**
 ظرفی است یا نه و غلبه مورد و او می افتد یا اماست
 بخیر است یا نه و هکذا و غلبه **جواب** فضل و بعضی
 از اطراف را بردارند باقی پاکست **مسأله** ضربه
 بفارس و او را چلیپا سه میگویند و ضمد ع که بفارس
 فیرانه گویند و اما احب نفس سائل اند یا نه و پیش از
 پاکست یا بخیر **جواب** پاکست **مسأله** در مرغ
 که نمیدانند از حلال و گوشت پاکست یا حرام گوشت بان نماز
 گذاردن چگونه است و هکذا استخوان **جواب** عید
 نیست که جایز باشد اگر چه خطا ط در اجتناب است
مسأله محمول بخیر که در جیب زکذار باشد مثل
 فلوس و قران و فیری که بخیر باشند چگونه است **جواب**

در آنچه صدق کند که نماز در آن کرده احتیاط نماید
 و آنچه صدق نمیکند مثل آنکه در قلادانی باشد و در
 که عیب نداشته باشد **مسئله** در واجبات پنجگانه
 مثل وجوب حلقه نماز و شیخ اربعه در رکعت سیم و چهارم
 و ذکر مغیر و کبیر در رکوع و مجموع بعد از نماز است
 باینکه یکبار بقصد وجوب یکبار بقصد غیره بخواند باینه
جواب اگر در ظاهر است در رکوع و مجموع و اگر در حلقه
 و شیخ احتیاط کنند باینکه اگر شیخ بخواند در حلقه
مسئله در نماز و حلقه نماز و غیره است باینه
 هر که میتواند در **جواب** اگر در اصل فعل معین
 نه است چه مضایقه که مغیر باشد و در مضایقه
 بمثل فعل از برای کسی که مکلف باشد یا بجهل صلو
 بوجهی که او را دانند که تحصیل آن **مسئله**
 تخیر بین از سه مرتبه شیخ اربعه استفقار میگوید

در بین استغفار و شکر میکنند که همه در همه تسبیح گفتیم
 یا نه باید کرد و یا این شک بعد از محبت اغنا کند
 و هکذا بعد از تکبیر چند رکوع شک در سجده واجب
 در تسبیح معلوم نیست که شک بعد از فراغ باشد یا
 بر وجوب تسبیح بلکه مطلقا چون در مستحب هم جای
 و احوط اغناء بشکست اگر چه قارن شرعیم این باشد که
 استغفار و بعد از فراغ از تسبیح بخواند اگر در سجده
 و تکبیر بعد نیست که بعد از فراغ باشد ^{مسئله}
 شخص قبل از وقت شروع کرد در وضو و بعد از آن
 قرآن مثلاً در بین وضو و وقت داخل شد وضو صحیح است
 یا باطل و هکذا طهارت شروع در نماز کرد بعضی در
 در بین نماز مکمل شد نمازش صحیح است یا باطل
 چنین است و نیز صحیح است اگر طهارت اعاده نماید و شرف
 دادند بر دو تا ^{مسئله} نماز خسوف و کسوف را

قبل از انجلا باید خوانند تا بعد از شروع در انجلا با مط
 مختبر است جواب این اول شروع در گرفتن و رفتن
 تا آخر انجلا اگر چه حوط الشک قبل از شروع در انجلا
 بخوانند و تا خیر نکند ^{۲۶}مسئله در یک سالان و غیر
 بسیارند و سهم شادان کفایت خارج ایشان کند
 و در بین راه هم احتمال بلکه سخن تلف است سهم امام
 بخارج بلد بردن جایز است تا باذن و کمال مجتهد ^{۲۷}مسئله
 همان بلد باید دو و فرض مکرر و کمال چهره باید کرد
 جواب موکوث بنظر مجتهد بهر شاهست در بلد
 دیگر شادان مضطرند بان فهمید که اقامت است باها
 رساندن ^{۲۸}مسئله سید جنة بخارج ^{۲۹}مسئله
 سور و باز بار غنای می تواند خمس و سهم امام
 بگیرد یا نه و اگر سید بخارج دو ماه خود را دارد ^{۳۰}مسئله
 بخارج دو ماه دیگر را از سهم شادان و سهم امام

بگوید یا باید بکند تا تمام شود چنانچه میگوید
 جمیع صومندگوه ^{۲۸} مستند خارج سال خود
 را قافداست اما نهایت عشرت با ایشانند و سهم ^{۲۹}
 و سهم تمام بگوید و نوسعه بر خود بداند چنانچه
 بگوید و نوسعه بداند بکنان اسراف و زیاده روی
^{۲۹} مستند موضعی اب تجبی دان دو سقف پوشیده است
 لکن فرجه دارد که باران بپوشد بسیار با حوض ناک
 میشود یا نه جواب اگر بقدر مستند باران بر حوض
 بیارد در اثناء باریدن بر هم زنند اب حوض را که خرج
 شود ناک میشود ^{۳۰} مستند حوض اب اطراف پیران
 بخار است بدست برالطه میزنند که اطراف را فرا
 میگیرد یا است یا نه و علی فرض الطهانه هل یلزم
 التقدام لاجب اب با استواء سطح یا عدم خروج
 از وحدت طهارت حاصل میشود و در اینجا که حاجت

بقدر است در جاهای دیگر بقدر اثرک نمائند
 اینجا نیز مسئله کربه موثر میخورد باغذای نجس دیگر
 و احتمال طهارت هم ندارد با برون وال همین پاکست ^{۳۱}
 و بانه و بر فرض احتمال طهارت هم کربه بر بیان ابراهیم
 نه بدقتها فلا یحمل الطهارة فی حقها فکف بطهرتها
 جواب ظاهر است انشاء الله تعالی مسئله ^{۳۲}
 اسباب الاغ و امثالها که پشت آنها زخم میشود خوب
 میشود با پاکست با محتاج بشستن است و علی التام
 فکف بطهرتها جواب پاکست انشاء الله تعالی ^{۳۳}
 در غالب بلاد که حمامها آب چاه است در سترها وضو
 دارند و کز است و از آن حوض بشوید ^{۳۴} داخل حوض
 میشود نه میگذرد و اگر خزینه نجس باشد پاک میشود
 بانه جواب استواء سطح با صدف و حله و اشرا
 اب پاکست مسئله در بعضی از بلاد مشرق

دارد از همان شهر آب میرود برون و در آن شهر و در آن
 شهر متصل است آب چشمه پاکست پانزده جوی آب
 پاکست را دام که متصل است ^{۳۵} مستطیل هرگاه از ج
 فوت شده و بکن وجه ذات ولده دارد و بکن وجه غیر
 ذات ولدا با اثر چگونگی میرند و در صورتی که صاحب ذات
 ولدا با مطلقا از همه خلفات ثمن میرد یا فرقی بین او
 و غیر ذات ولده نیست چیزی است ثمن ترک در غیر ذات
 و اراضی شریکند و در عقار و اراضی غیر ذات ولده
 نمی برد و ذات ولده ای طالتی که با سایر مشایخ
 نمایند چون ارث ذات ولده نیز از آنها محل اشکال است
 و غیر اینها است که ذات ولده میرند غیر ذات ولده
 اما آلات و ابیه آنکه نمیرند و قیمت مهم دارند ^{۳۶}
 گمشد و خریدار در میان میخ کردن و چهره صورت دارد و
 گمشد و چنان باشد که با شمع در جوش آمدن و

در میان بروج نداریم اما بقا عده طهارت با استصحاب
 طهارت حکم بخورد نش میفرماید بانه چیزی آب
 عیب ندارد ^{۳۷} **مسئله** در وصی عیالت شرط است
 بانه و اگر وصی عیال نباشد وصیت باطلست باوصی
 وصی و بر فرض عدم بطلان که باید بوصیت عمل کند
 چیزی **مسئله** باطل نیست لکن چون غرض از وصیت
 عمل است پس در آنچه متعلق است باداء تکالیف بدو
 وثوق برائت از تکالیف معلوم نیست و اکتفای
 توان نمود در حقوق فقراء و محتاجان نیز اعتماد نمیشود
 نمود و اگر در آن قسم غیر عیال را وصی نمود حاکم شرع ناظر
 تعبیر نماید اما آنچه راجع بخواشها موصی است که
 از قسم تکالیف است و نه از حقوق غیر است موصی خود
 داند ^{۳۸} **مسئله** وصیت که در ثلث معتبر است اگر
 زاید بر ثلث شد وصیت باطلست بااداء ثلث ترک

ممضی و در ذاید باطلت جواب در ذاید باطل
 نیست موقوف با جاز و نه است اگر اجازه کردند
 نافذ است و الا باطل می شود ^{۳۹} مسئله در غالب
 در سرتیاق اب بر پامردم میرین نداند و لجه بجهت نظیر
 و متغایب سه قمر میرین داتا هر دفعه نقد صبر
 کنند که غساله منفصل شود یا پاکت یا نه جواب
 خلاف احتیاط است البته و دفعه که ایست می کنند
 با فاصله فی الجمله ^{۴۰} مسئله خم که بخیر می شود در نظیر
 ان یا باید از تحت ریخت و بفوق باید کافال
 یا از فوق برینند کافال اکثر العلماء و لکن بنا بر قول
 اخیر اب پاک ریخت خم نخواهد رسید زیرا که در
 اب غساله در تحت خم می شود و بنا بر قول اول هر
 اول پاک ریخت خم خواهد رسید حکم را بیان فرمایند
 جواب اب که از بالا ریختند تا فخر که میرین

در باب سبب که از زیر کمر بر مایل می شود
 و در ذاید باطلت
 در باب سبب که از زیر کمر بر مایل می شود

ظاهر میکند و غسل جموع اگر آب است که جمع میشود
 در استواری و برین می آید و درین و هله چینه و پنجه میشود از اول
 تا باقی در هر غسل آب غسل است نه غسله و این طریق
 که بنام می فولا اول است نه خالی از عمد و ذکر که در بعضی
 دیگر ترنیش و خیال کرده اند نیست از جهت اینکه آب
 هر طرفه که پنجه شود آب بالامیابد از هر طرف و این
 اطراف دیگر را غسله فرموده و آب غسل پاک
 بنا بر این قول با نجاها غیر رسیده و جواب همان است که
 در آب غسل است و تا فارغ نشود است بجمعه تطهیر ^{صل}
 میشود و بعد نیست که مراد کسی که گفته از بالا باشد
 نمایند این باشد که از بالا ابتدا نمایند و آب
 با طرف هر یک را تا بحک که غسله جمع میشود بعد غسل
 را برین می آورند و محل غسله را آب هر یک را تا بحک
 که باز غسله جمع میشود باز غسله جمع شده و این

می آورند و هکذا تا باخرو بر این نقد بر محدود مذکور
 در سوال دارد می آید و اختیار این طریق اولی است و اگر
 آب برین نهد و تخم و بکر دانند بر این باخرو اگر بشود که
 آن آب همه جای رسد و بعد از آن برای بیرون بیاد و برند تا
 سه مرتبه یا کم باشد و ^{مسئله} کسی بپند مال را
 میدهد و بپند میدهد که این شخص باذن مجتهد ^{کلی}
 مجتهد نداده است یا آن وجه بر بپند مباح است یا نه
 بپند ^{مسئله} شکست بلکه معلوم نیست ^{مسئله}
 فضیلت کرم که در میان آنها که است مثل بپند و غیره
 و آنچه خرما و امثال آنها ایا مباح است کلاً یا بانه
 و هکذا دانند عنایت خروا و منجد و مانند ^{مسئله}
 مباح است یا نه ^{مسئله} اگر چه قلبی است که بعد از
 پاک کردن باقی بماند ظاهر عیب باشد یا باشد اما دانند
 کثرت منجد که عیب ندارد عنایت غیره هم چنین اگر سرد

نداشتند باشد ^{مسئله ۴۳} فی رفع صلوة جهه دفع ضرر
 از غیر جایز است بانه **جواب** اگر ضرر معتد به باشد
 مالی جایز است بلکه گاهی واجب و ضرر نفسی واجب
^{مسئله ۴۴} **مسئله** لفظه که قابل تعریف نیست مثل بکفران و
 بک اشرفی که بکدن ظرف و علامت دیگر است که نیز
 شو حکم حقیقت **جواب** حوط نصف است و بقیه
 نملک هم جایز باشد ^{مسئله ۴۵} **مسئله** امام یقین دارد که
 داخل شده و ماموم اعتقاد دارد که وقت داخل
 ایام میشوند ماموم این نماز را با این امام افتدا کند
جواب نمیشود اندلی اگر در اثناء نماز امام وقت داخل
 شد با اعتقاد ماموم بقیه نیست که در این وقت
 بنواند ملحق با امام شود و با بقیه نماز امام نماز خود را
 بجماعت کند و الله تعالی العالم و احوط در این خصوص
 نیز ترک است ^{مسئله ۴۶} **مسئله** شخص حرام را اجازت کند

اینکه تجامی بگویند از اول سال مثلا تا فلان وقت
 میآیم تمام فلان مبلغ بشویم و او هم راضی شد بدو
 صفت چه صوتی دارد جوابی باینچنین قرائت ضرر ندارد
 چون مقدار مکث و ضراب هم و است و مثل هر وقت
 مسئله شخص در تمام نسبت میگوید پول طلب شما
 هر وقت دارا شدیم میبدهم راضی شود بیکدن باینچنین
 چه صوتی دارد دیگر آنکه شخص معامله نسبت میکند
 معین نمیکند باین راضی میشود چه صوتی دارد جواب
 اگر چنین باشد که بولر ایندقه شرارد دهد و بعد از آن
 گرفتن در دقه خواهر هشت تا زمان دارائی دارد
 عیب ندارد چه در اینجا و چه در سایر معاملاتی دیگر
 که خفیه این داخل است بمعامله نقد مقابل نسبت
 منتهای امر این است که وجه بین خارجی مخصوصه نسبت
 و در دقه است و بنویسند که بمقتضا معامله مسلط است

صاحب مال که را اثر از طحان و مطالبه مطالبه نماید
 و اگر چنین نباشد بلکه بگوید و بگوید در تمام
 صحیح نیست و در اینجا هم معامله صحیح نیست اگر بعد
 نیست و تمام ضرر بدست است بدست است و در جواز ضرر
 میباشد اگر چه معامله صحیح نباشد و ملک حاصل ^{نمود}
 بخلاف آنکه اگر رضا تصرف از صاحب مال قطع نظر
 از این قرار دارد بدست است بدست است نه آن رضا که در ضمن
 معامله مجهول المدة است بلکه رضا بطاق و تصرف
 تصرف غیر موقوف بر ملک جایز میشود و الا فلا ^{مسئله}
 شخص بکفران میگوید بپناه بکشاهی بکشاهی میگردد
 چه صورت دارد جواب معلوم نیست یعنی دانسته باشد
^{مسئله} موضوع غنا را بپناه فرماید جواب
 غنا خوانند است که جود اش جود الاث ^{مسئله}
^{مسئله} چند ضعیف خوانند چه صورت دارد از هر

کتابی و نقل معنی خواندن بدون آنکه شخصی بگوید اصل
 معنی خبر اینست و حال آنکه نقدیم و ناخبر شویم چون
 در نقل معنی آنکه عبارت بهم باشد و معنی ندارد
 از خبر بتواند بفهمد ضرر ندارد و حاصل معنی که خبر
 است بر این مسئله منوط اکثر شک بر چه قدر است
 جواب اکثر شک ظاهر اینست که عرفی باشد ^{۵۲} مسئله
 طفل را باذن پدر زن بجهت ادب چه صورت دارد جواب
 نادیده اگر آن فاعل پدر نباشد باذن پدر عیب ندارد
^{۵۳} مسئله شخصی خود را در حق مردم مسامحه میکند ^{۵۴} مسئله
 اول وقت میتواند بخواند یا نه و اگر هم نتواند حق مردم
 نمیدهد جواب این حدس حق فوراً از او است و شکی
 میزند بیکر شدن اشکال دارد رجوع بنسخ خبر نمایند
^{۵۵} مسئله مردم مسلحی در میگردند و شخص شنونده
 شک دارد که آن حرف زده است یا خیر یا اگر او است

انتهی بانه جوابی با اشد در این حکم بکفر می شود
می رود و اگر حکم این حرف را بپذیرند که موجب ارتداد است
بانه باید سوال از جهنم نماید ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^۳

شیردهی در صورتی دارد که در جنس شوهر خود و هم
 چنین زن پس مردی حرام میشود بآن و با او فرزند
 نمیآید و میباید که در حکم متولد نشود و در صورت
 حرام شدن با علایجی برکاتیب میباشد بآن ^{ملا} چون
 تحقیر رضاع معتبر شرعی که موجب حرمت است
 در شیر دادن و اولاد دختر موجب حرمت است که علایج
 برای آن نیست بجهت آن دختر حرام میشود بر زوجه و بر
 رضاع است فائده اینست که ابوالمریض رضاعی و اولاد المریضه
 و در صورتی که شیر دادن و اولاد پسری باشد
 بمادر رضاعی و پدر رضاعی معلوم نیست که سبب
 حرمتی شود مگر بر قول جموعی که علی احتمال چو ^{رضاع} مرد
 برادر رضاعی پدر خود میشود و مادر رضاعی که زوجه
 پدر رضاعی است بمنزله مادر برادر رضاعی میشود
 و مادر برادر در نسب با مادر حقیقی است بآن ^{است}

و این رفیع است و اگر اینها بذهیب که قول مجموع منکر است
ضعیف است و در ضمیمه هم بر شود و خود حرام نمیشود
آنکه تمام الماس ^{۵۹} مسکله راه در باب این نحو که
ابد شخص میراند اجیر بگیرد از چینه موصی خود یا اجیر شود
بانه بی این اجیر راه و عدم نمکن از غنما یا شرط
خصوصان راه بر نقد بر عدم نمکن از غنما یا شکل است
مسکله در وجه ذات و ولد از جمیع ترک من غیر
شیء ارش میرد بانه جوابی غایب اشکال دارد
احباط نمایند و اگر بشود یا صلح رفع شبهه نمایند
مسکله در حقار صغیر اگر صرفه و غبطه در فروش
انها باشد جایز است بانه جوابی جایز است از برای
ولی قسطنطین ملکی صلاح صغیر است میفرند بزرگ
صغیر و ملوک دیگر آن را میفرند و ادای قیمت
اخر میکنند جایز است یا تمامه بانه جوابی جایز است

مسأله در نایب عبادات عدالت را از باب طاعت
 شرط میدانند یا از باب موضوعیت که اگر غیر ثار که
 مطمئن باشیم بجا کردنش میتوان اجبر گرفت یا نه
 در صورتی که بجا کردن بر وجه صحیح بید نیست
 که توان کرد اگر چه خلاف احتیاط است ^{مسئله}
 طفل صغیر و سه ساله را باذن پدرش بجا آید
 مینمایند یا نه منع داخل نیست صحیح است یا باطل ^{مسئله}
 صحیح بید نیست و احتیاط بید است کردن زن ثانی که
 قابلیت فی الجمله استماع داشته باشد بهتر است
 مسأله اگر شخصی بجهت کریمه ثلث مال غیر از او
 خرج کند و بگوید چهل سال صلو و دو ماه صوم
 برایم بجا بیاورند در این صورت باقی ثلث که زائد از
 اجر چهل سال صلو و دو ماه صوم است در چه
 مضرب باید بشود جواب ملا خطه باید بود هر چه

اصل بحال نیست باشد و نفع باشد و او را از عفت
 خلاصی دهد اگر احتمال منافعی بودن داشته باشد مثل
 مظالم اگر این احتمال بود که بر ذمه او باشد و نظیر این
 در آن باید تصریح نمود و الا خوب است که در اقرب فریاد
 مثل غزیه و اعانت زوار و تصدق بر فقرا و کهن
 و اعانت سادات صرف نمایند **مسئله ۶۶** **مسئله**
 بفرمائید که هرگاه کسی خواهد نماز قضا با حیاطی بکند
 بعد از دخول وقت فرضیه و قبل از ایشان بفریضه میتوانند
 بکنند یا باید اول ایشان بصلوات فرضیه نمایند و بعد
 نماز قضا با حیاطی بکنند **جواب** تقدیم حاضر
 لازم نیست بلکه شاید لحاظ تقدیم همان قضای
 حیاطی باشد لکن اینهم لازم نیست والله اعلم
مسئله ۶۷ نظر بر کفش یا بجا ری و کت باید سه دفعه
 شسته شود یا دو دفعه کفایت میکند **جواب**

و در غصه کفایت میکنند و در لزوم نعلند جوع بغیر نما
^{۶۸}مسئله زمین هرگاه ثروتمند باشد نظهر نه کشت و
 یا میکنند یا نه بلکه باید خشک و پالان باشد و نظهر
 ظرف باب جاری و کمتر نعلند لازم است یا نه جواب
 نباید خشک باشد چنانکه هیچ رطوبت نداشته باشد
 بلکه رطوبت معتدله نداشته باشد اما ظاهر باید
 باشد و مسئله آخر از سابق معلوم میشود مسئله
 نظهر ما بر سبب فیه الماء باب جاری و کمتر احتیاج به
 عصر دارد یا نه جواب ^{۶۹}نعلند احتیاط و کفایت میکند
 در عصر آنکه بمالد جامه یا فرش را در آب بضمیمه آب
 در او بندید و شود مسئله شخصی ملک را پیش شرط
 گذاشته پیش بگری و سنگ هم نوشته شده و اگر صیغه
 خوانده نشود و مشتری الحال ملک را صاحب شد باید
 میگوید پول را میدهم ملک مرا بده مشتری نخواهد بگوید

چه صورتی دارد و چنانچه اگر بمطابق هم معامله واقع
 شده باشد ^{محکم} است و اگر در وقتی که چنان قرار داده اند
 وجه رد ^{نموده} بدارد و بر عقد بر غیر باید
 ملک با و رد شود و اگر نه بمطامعت و نه بغير مطابقا
 معامله واقع نشده محض سندنوشتن فایده ندارد ملک
 با و باید رد شود ^{مسئله} هرگاه متبذیر در فرستادن
 بقصد اینکه بعد از مدت و را از شیر بر و ناورند و
 او را بشامد بشیر و نقل فایده ای ندارد از استنفس
 قبل از پاره و هرگاه از اول قصد نقل بشیر انداشته
 باشد بشیر جایز است پاره و کفن میت را بدعا و ^{نوشتن}
 نوشتن چنانچه است یا نه چنانچه ^{مسئله} بشیر بعد
 از دفن و نقل بشامد بشیر رجوع بغير نمائند و ^{نوشتن}
 کفن بدعا و فراتر است لکن رعایت احتیاط ^{مسئله}
 چنانچه از کفن بنویسند که ما مومنان ^{مسئله} احرام نیست

چنان
 نمود او را

بفرمان خود آورده باشد یا نشاء الله تعالی ^{۷۲} مسئله
 اگر شخصی در جانی باشد که غیر از وضو و بن باشد یا اینکه
 وقت تکلیف غسل یا وضو چهره خواهد بود و بر فرض
 آنکه جایز باشد وضو یا غسل را بجز اول و دوم وضو و وضو
 بجای آورد وقت دیگر داخل شد تا بغير وضو بگذرد
 او را با همان غسل یا وضو میتوانند غرض دیگر مجاز
 بناورد یا خیر جواب **نکاح** بطلان است تا بطلان
^{۷۳} مسئله رفتاری یا امری و فیه که در تصرف مالک
 است مسلمانان وضو میبندند و غسل میکنند بعد
 از آنکه غشی بر مسلمانان در استماع نماز و غیره
 بانه تا آنکه نفع را عذر غاصب میرسد و در این مسلمانان
 که وضو میبندند یا غسل میکنند در وضو و غسل جایز
 بودن اگر غیر مریض باشد یا از جایز است استعمال
 بانه جواب اگر از آنهایی است که پیشتر استعمال

اضا تا نیست بنویسد که تا نیست غصب نیست بفرغ
 واعوان او در این وقت منع از استعمال در وجه سابق
 نمیشود و الله تعالی اعلم ^و **مسئله** کسی که نماز قضا
 بر ذمه دارد و میخواهد وضو بیاورد یا آنکه غسل واجب
 بعمل بیاورد و میخواهد با این وضو و غسل نماز قضا
 نماید وقت هم داخل نیست که بنیت نماز بر وجه وضو
 باشد بنیت این وضو را چه قسم باید نماید یا بنیتی که
 بفرماید وضو با غسل را بعمل آورد ساعت دیگر
 که وقت داخل شود میتواند با این وضو نماز واجب
 نماید یا نه ^{اولی} **جواب** اگر وقت ^{اولی} اینست که لا اقل
 یک نماز قضائی قصد بکند و بر تقدیر میخواهند ^{نیت} با نیت
 مضایقه از این نداریم که قصد نماز مستحبی هر نحو که
 ممکن میشود بکند اگر خالی از خلایق احتیاطی نیست
 و اگر قصد یکی از غایباتی که طهارت و نجاست ^{نیت} اضا مطلق

شرعاً نماید بنحویکه داعی او بسوی این غایت فی الحقیقه
 بان باشد اگرچه محرك کسوان داشتن طهارت در وقت
 باشد هم صحیح است و بعد از دخول وقت بان نماز می کند
 و مشهور اینست که غسل جنابت مستحب لنفسه است بنا
 بر این حاجت باینها هم ندارد هر وقت خواهد غسل
 کند بقصد رفع حد جنابت و نماز هم با او می کند لکن
 در جمیع صوغ غیر از صوثر اولی که قصد بجا آوردن فضا
 داشته باشد قصد غیرت و طلفه می نماید نه وجوب
 نه ندب غائی یعنی ندب مصطلح که رخصت در ترك
 مطلق فصل او است والله تعالی العالم ^{مسئله}
 زمین قبرستان را بنیر میدهند نه آب غصبی یا غیر
 غصبی را و جاری می کنند در سران نه وضو و نه
 با غسل کردن چه حالت دارد آب غصبی غیر غصبی در
 هریک تکلیف علیحد است بانه مثلاً در محن حضرت

عبد العظیم محل فور مسلما ناست در اینجا هر ی
 حوضه داشت نمایند بدان عمر کا می بغصب داخل
 شو کا می آب مباح و وضو مباحین با غسل کردن چه
 دارد جواب چون محل خلعت منحر شرینا مازا
 لازم التظیم حضرت عبد العظیم علیه السلام است اگر
 چنانچه منحر شرین از مرافق بقعه شریفه بوده است
 که معلوم نیست قدر دان جاری نمودن عیدی داشته
 بلکه حسن داشت و اگر معلوم است محققا که وقف
 بوده بجهت مقبره حال که چنین شده و بحسب ظاهر
 ان ممکن نیست بعد نیست که نشستن در اینجا
 وضو گرفتن ضرر نداشته باشد لکن آب وضو
 باید مباح باشد شرعا و اگر چه باذن عام شرعی مثل
 افطار یکبار که پیش بر استعمال افطار و مثل شرب وضو
 مثل بنادری است باشد و غیر مباح خالص چه اش

منصوب باشد و چه مخلوط بمغصوب باشد باز
 و نه صحیح و الله تعالى العالم ^{۷۶} **مسئله** بخار غلیظ از
 بخاست یا منجمد یا فسان یا لیس فسان میرسد
 منجمد میشود یا نه **جواب** منجمد میشود ^{۷۷} **مسئله** یک
 شهر بعد از خالی کردن شستن میخورد بخت آنکه
 دیگر یا نه یعنی اگر یکپورده شهر داشته باشد ضرر
 دارد یا نه **جواب** ضرر ندارد ^{۷۸} **مسئله**
 در استنجاء بسنگ اگر سنگ صاف نباشد و بین
 نمیکند که بین رفته است هرگاه خاک بمالدند ^{۷۹}
 کند کفایت میکند یا نه **جواب** بلی کفایت میکند
^{۷۹} **مسئله** کاشتن درخت در لب غراب سترک
 بعد از بز ر کشدن درخت ثمران ملک غار مر است
 یا ملک ضاحک **جواب** ملک غار مر ^{۸۰} **مسئله**
 در وقت شهر و منجمد یک کفکیر و در یکهای

که در یکجا نصب است میزنند بپا در پانه جواب
 گفت که در یک جوش آمده زاده یک جوش نهامد نیند
 ۸۱ مسئله در یکهای شیر و هرگاه همه جوش آمده باشد
 ای بابک گفت که میتوان بهم افغان در پانه جواب
 نشان نشد و داد نشان شده ترند مسئله
 شهادت بر مرثالت در نشد نماز داخل و زکرا
 نای شود از اقصا فرست مکرر کرد پانه جواب
 ۸۲ جابر است مسئله هرگاه موصی از برای وصی
 نفی بن اجرت نکرده باشد وصی میتواند بر طبق عمل
 خود اجرت بردارد پانه و در صورتی که از اذن حاکم
 شرع لازم است پانه جواب ظاهر اینست که این
 مسئله مندرج باشد در کلیه امر عمل و در سئاله
 مناجرت تفصیل آن مذکور است و جمیع نمایند مسئله
 ۸۳ ای بابک صغیر و مناجرت و ملک صغیر فاطم غن فاحش

می‌تواند بکند یا نه جوابی است بجز از مؤلف نیست ^{مسئله}
 بلی در غالب این اسقاط مصلحت نیست ^{مسئله}
 حد غبن فاحش چه چیز است بیان شود ^{جواب}
 غبن متعارفی دارد و خارج از متعارفی و خارج
 از متعارف هم مراتب دارد چنانچه بعضی مراتب معدود
 در غبن نیست یا آنکه زیاده یا نقص است ^{مسئله}
 آیا در مظالم غیر متبدل است یا نه ^{جواب}
 متبدل نیست ندارد سبب است از که مظالم پیدا می‌شود
 از او نیست بلی بنابر این که صدق از صاحب خود باشد
 و معلوم باشد که او سبب آن شده است و در خلقت
 محتمل است لکن چون اصل واجب از او نیست یا معلوم
 نیست و یا عدم معلوم نیست اصل عدم و جوب نیست
 از این جهت معلوم نیست که فایده نداشته باشد
 صدق منکر غیر متبدل است یا نه ^{جواب}

لی چون حکم این صدفه و جویت یعنی واجبست
 نمودن اگر کسی بنا بر این بگذارد که هینکه حکم صدفه
 شد بستد هر سدی باید بگوید منشود اندو لکن
 معنی در محل منع است بلکه ظاهر است که منع صدفه
 باصل شرعست لکن احوط مع ذلك قصر بر غیر سید
 والله تعالی العالم **مسئله** ثالثه الایست در بعضی
 بلاد نزدیک به فاصله سه فرسخ و از جهت طول
 عرض شاید فریب سه یا چهار فرسخ بوده باشد و
 از فرار بیکه میگویند چشمه هم در آن ثالثه است
 و تخمیناً بقدره سنک آب در یک لوله آهنی در
 نازد یک شهر و در اینجا منقسم میشود در لوله ها
 آهنی که یک بقدر لوله افتاب به باز بادثر با کثرت
 امکان و چون ثالثه الایست شرف و تسلط است بر شهر
 این آب با اختیار خود میرد بمنتهای چهارم و پنجم بگذرد

باشد ششم با وجوب این صور نظر برادر در پیرایه بگذارد
 چیزی منتهی در آن طرف نشویند یا آنکه منتهی باشد و
 فرض آنکه آنجا بشود و ابهام منتهی نشود خود ابهام حکم
 کردار در ابهام جاری باشد حکم مسئله است معلوم
 فرمایند جواب این است که الله الرحمن الرحیم منتهی یا آنکه منتهی
 و ابهام منتهی نشود مادام که متصل است و حکم حکم کرد
 است اگر بین منتهی و چشم نباشد و الله تعالی اعلم
 مسئله زید و دود خیر دارد هر یک از مادر
 و زید وفات نمود نفیر یا بیست هزار تومان مشروط
 دارد و بگوید از دخترها ضعیف و بی قوه و دیگر
 حتمه اری طرف ضعیف را بدو هزار تومان مصالحه
 نمایند یا عدم رضای قلبی یا این مصالحه صحیح است
 یا نه جواب این که اگر او را اگر او را مصالحه نکرده اند
 لا علاج در مصالحه بمقتدا از عیون نبوده و منتهی آنکه

نموده اند صحیح است صلح ظاهر و باطن و اگر مکره
 بوده است صحیح نیست و اگر لا علاج بوده و بیجهت لا
 علاجی که اگر صلح نمیکرده نموده اند صلح کرده ^{من}
 واقع بجهت طرف مقابل حلال نیست والله اعلم العالم
^{۱۹} **مسئله** زید مدکی و فقهنا بدیان عبارت که
 نصف مدخلان بنفریه داری خضر استبداد
 مضر شود و نصف دیگرش فقرای بلد و فقرای رحال
 داده حال بر فقرای بیگانه مقدم فرموده الا ضرب
 فالافرنی باعراغات نمایند با با استحقاق طبقه دوم
 با طبقه اولی مساوی و منابله هستند یا آنکه فرقی
 و تفاوتی دارد **جواب** اگر امر مرتد شود که با ^{طبقه}
 اولی فقط بآید و درون ثانیه یا بعکس یا بمعنی که
 اینقدر نباشد که بحسب آنچه متعارف در این مقام است
 زیاده بر یک طبقه نیست یا اولی فقط با ثانیه ^{طبقه} فقط

اولی مقدم است بمقتضای آنچه فرموده الاقر
 فالاقرب الله تعالى العالم فستعمل معامله دان
 بول باین دو قسم که اشاره میشود صحیح است باینکه اول
 آنکه زهد و ثومان معتبر از مصالحه نماید با عمر و
 مال المصالحه معتبر و شرط کند اینکه عمر و صد ثومان
 با و فرض بدهد و قیم زهد و ثومان بدهد و
 که عمر و صد ثومان برای او فرض کند از کسی ^{احل}
 بلی ظاهر اینست که این دو صوت صحیح است انشاء الله
 تعالى و لکن در صوت ثانی اگر بچشد با و و ثومان
 و شرط کند که از برای او از دیگر عمر و فرض کند صد
 ثومان را با جطال او قرار دهد و خلی بیاب معامله
 بول ندارد و محل کلامی نیست و علاج بچند بخش از
 و باینست و اگر بچشد با و و شرط کند که خود زهد
 ثومان فرض بدهد و نیز صوتی است ثانی

بصلح و هبله است ^۹ شمس علیه رسته ای را از ثقبه
 معلوم چندین خانه منصرفند و میرند و آن آب
 از فناء است که شهر و باب مسجد است ^{۱۰} اگر کسی میخواهد
 منع منصرفین از این آب نماید قبل از ثبوت غصبیت
 نمیتواند بپایان دهد و در صورت عدم غصبیت بودن آن
 رفته اند و اگر در مسجد چه صغیر یا بزرگ باشد جایز است بپایان
 و اگر جایز نیست مسلمانان میتوانند از آن آب
 دارند برکات وضو و نمازشان صحیح است ^{۱۱} باطل
 نمیتواند منع منصرف نماید چون ظاهر انصراف و بودن
 آب دلیل بر استحقاق است اگر مشهور نیز باب مسجد
 صدمه بظاهر عز و بوی فناء لکن ظاهر اینست که استحقاق
 فی الجمله بصرف عز و بوی ثابت میشود و اما بودن آب
 بمسجد خلاف شرع است بعد از حکم بحدیث بمقتضا
 تصرف با استحقاق فی الجمله و در باب وضو مکن

که گفته شود که منع از امتناع بوضو گرفتن با آنکه
 وقت بجهت او است جایز نیست بایستاید و قیمت
 خود را ببرد دارد یا رخصت استیمال در عدد اگر هیچ
 کدام را نمیکند ممکن است گفته شود که مسلمین بیکدیگر
 که زبانه بر حق ایشان نباشد بتوانند فتنه شوق
 و احوط استنباط و رجوع بحاکم شرع است^{۹۲}
 زنی فوت شد و شوهری دارد و بکتمه پدری و
 چهار خاله پدر و یکخاله پدری و دو عم و مادر
 که قیمت ارث هر یک از واد ثرا باشد چنانچه
 نصف شرکه از شوهر است و ثلث از شرکه از خالو
 و خاله ها است مرد و زن مساوی و احوط صلح است
 در پیش خود چون محمل است که قیمت میان ایشان
 بطریق تفاوت باشد لکن ذکر مثل خط الانبیا
 اگر چه حتماً ضعیف باشد و باقی که سند شرکه است

از دو عم و یک عمه است لکن ثلث از این سدر از دو
 است و دو ثلث باقی مانده از سدر از عمه است و الله
 تعالی العالم ^{۹۳} **مسئله** شخصی فوت شد یکموی پدر
 و مادر بگذارد و یک عمه مادری دارد و دو خاله دارد
 یکی پدر و دیگری مادری و چهار خاله دارد یکی
 مادری و سه دیگر پدر و املاکی از پدر و مادر هر دو
 بر سبیل ارث با این شخص متوفی رسیده بود خال
 مرفوم فرماید که عم و عمه و خال و خاله بجهت قسم از
 میراث قسمت گیرند **جواب** ثلث از ترکه از خال
 و خالانش با این طریق که ثلث از این ثلث از خاله
 و خالوی مادر است بطریق شش و هشت و زن و
 ثلث دیگر این ثلث از سه خال و یک خاله پدر است
 بطریق شش و نه و لایحه صالح است چون احتمال
 در اینجا بطریق تفاوت و لایحه ذکر مثل حظ الانثیین

اگر چه ضعیف باشد و د و ثلث دیگر از اصل ترکیز
 غم و د و ثلث است نکرین با این طریق که سد را این دو
 از یکتیه ماد در پیست و باقی که پنج سد را از این دو
 از غم و ثلث ابو پیست است لکن ذکر مثل خط الانبیه
 والله تعالى العالم ^{۹۴} **مسئله** چه میفرماید در
 باب صلوة در لباس مشکوک در اینکه از اجزاء
 ما کول اللهم است یا غیر آن **جواب** اگر چه حیاط
 در اجتناب است لکن جواز بید نیست والله تعالى
 العالم ^{۹۵} **مسئله** اگر آب عوض نجس شود و آب جار
 بمقدار کردن آن آمد و کن پر نشد آیا آب عوض پاک
 میشود یا نه **جواب** بله ظاهر میشود باخرج والله تعالى
 العالم ^{۹۶} **مسئله** اگر در لباس آب جمعت و بعد
 در آن لباس ولو غنما بد یا با بد لباس را تغیر
 نمود یا نه **جواب** معلوم نیست از روی آن والله تعالى

العالم ۹۷ چه سفرها باشد و اینکه نفره یا طلا را
 در بونه که بود و کما خضر باشد یا بندگان و کما
 با و فرستادن یا بهمان و کما خود طلا و نفره و غیره
 بانه جواب جماعتی از علما که بر فتاوی ایشان
 مطلع شدم حکم بنحیث سفرها باشد و الله تعالی
 العالم قسمل ما موم سبوا نند و ایند و ایند
 جمع دو نماز بایک نماز امام نماید بانه جواب
 نزد اکثر مشکلات است در مثل نماز مغرب و عشاء
 بمغرب یا ظهر و عصر بظهر یا عصر و مغرب و عشاء
 بعشاء و رجوع بنیروی ایند قسمل اگر مصله
 بعد از سلام شک میان سه چیز باشد و باطل است
 حکمی دارد چهار باب مشهور و ضعیفین با حد
 اخیرین از نقصان یا زبانی رکعت دارد پس اگر خیر
 قبل از منافی رکعتی که اگر از نقصان شرعیست

آورد و بعد از نماز و سجده سهوی بجهت احتمال پنج و
 سجده سهوی بجهت احتمال سلام در غیر محتمل بجا آورد
 محتمل است کفایت کند و لحاظ با عاده نماز است
 نیز و در خصی در ثلث این احتیاط است والله تعالی
 العالم **فصل** در شخصی در نماز مبارک و مضای
 اتمام نماز میکند تا کاملاً پیش پاچوان دیگر
 بدندان آن شخص که بدون ناخ کردن بیرون نمی آید
 اگر فرو برد و زه باطل است و اگر نه نماز تکلیف
 چیست **جواب** با وسعت وقت نماز را قطع می کند
 و با ضیق وقت که در رکعت بر نهد بر قطع نمی
 کند اگر فرو بردن یعنی خوردن آن چیز حرام است
 نیز نماز را قطع می کند و اگر حلال است بعد از آن
 که فرو برد و در صورت اولی نماز را و در ثانی
 را قضا می کند و این مختص با بر نهد بر است که چنانچه

باشد. در دوا میر با بیرون آوردن پا فر بردن پس
 اگر بتواند نگاه بدارد بدون تکلم باخ تا نماز برانجام
 کند نگاه دارد و هم چنین باید دانست که این کلام
 بر نقد بر نیست که فرو نرفته باشد که اگر فرو رفته
 باشد و حرام باشد بخن در وجوب بیرون آوردن
 و اینکه این بیرون آوردن فی است میباشد و الله
 تعالی العالم قسائله عوام با آنکه زحمت میکشند
 نمیتوانند حرف را از مخرج ادا کرد چنانچه طارانا
 و خاراها میکنند یا هیچ است جواب اگر واقعا
 عاجز است مافضا است لکن باور نمیتوان کرد که
 بمشورت کردن درست نشود قسائله شیعیه
 شستن مناسبت چنانچه کند پس دفعه شستن
 یک و دو و کرد یا اکثر الشکست و هم چنین اگر در
 شستن یا در عدد سجده اکثر الشک باشد پیش

در عدد رکعات نباید کثیر الشکست بانه چنانچه
معلوم نیست که در آنها حکم کثیر الشک جاری بشود
مسئله ۱۰۳ هر يك فقیر انقدر از وجه زکوة میتوان
داد که غنی و مستطیع و صاحب خانه و عیال بشود بانه
چون میشود لکن اجتناف بسیار و قتر خوب نیست مسئله
کسی مال و ورثه یا موقوفه یا مالک شد پس از آن همه
بکسی دیگر کرد که اگر نمیکرد مستطیع بود یا با ذمه این
کس از حج خلاص است بانه چنانچه اگر قبل از او
خروج بجهت سفر یا رت بدست الله العزیز است حج بر او
واجب نمیشود و اگر در او آن خروج خارج است مستطیع
است و باید برود مسئله ۱۰۵ کسی حرم و طریقه یا
نمیباشد و متدی اینفل را میگرد که عود شرعی را
نمی دانند و باب گفتار میکنند و حکم بانه ای
او که با آن عرفیه ثابت کرده چیست چنانچه

کفار برای آن میگویند اگر فاسق نباشد و در دنیا مستحق
در این صورت ناقص است بر نقد بر حجاب است عرفی و جب
از حرام و خاشاکه بن حرام **فصل** در کثرت التهو و ضبط
منه **فصل** در آنکه نموده در چنان ضبط نماید باز فراموش
نمیکند **فصل** در آنکه چهره در آن شمرود و دهد چهره عمل کند
جواب علم را با بنای بر یک حرف تمام کند و بصدق
و استعمال اگر بعد از آن از بیوع کرد و بطلانی شد
بها و اثر اداء داده صحیح است و عمل به کلیت خود و اگر خلاف
بنواند بکنند **فصل** در آنکه **فصل** در قول بعد از
مخالف مالی را که بدهد خود شمره **فصل** در آنکه
باشد مثل آنکه حکام مخالف مالیات از رعیت می گیرند
و بمایعی می بخشند و **فصل** در آنکه بدهد خاک و رعیت
هر دو این عمل را عشرین می دانند **جواب** این چند
مذهبشان **فصل** در آنکه مذهب رعیت نیز میباشد بعد

نیست عیب نداشته باشد ^و محسوس در منزلت پرست
 بخیر است بپاک جوی پاک است افشاء الله تم ^{۱۰۹}
 در بیرون ظاهر فرمایند سر کار است که در جای که
 قصد ضرورت است بایستد از آن مغشوب جدا حاصل
 شود و از جدا شدن چیست با عینیت است که اگر پاک و
 کامل بپارچه خوب است با هنر بخوبی در آب کوی با جاد
 گذارند پاک نیست و جوی این است بر این که در آن
 شهر پیشرفت دارد و در شده باشد چنانچه در
 و آنچه نوشته شده که در پارچه را هر یک که در آب
 بمالند ظاهر غیبی و بی ظاهر غیبی و این اگر چه
 کامل نباشد و اینها بهتر است از آنست و چنانچه
 در این حکم و مصالح احکام شرعی و غیره بدان
 نعت و در آب کوی و در غیر اینها و اینها
 گفته ام اگر چه غلط باشد و لازم نیست که اینها

اگر فایده یک دفعه شکالی هست رخصت در عمل از جانب
 نمیدهم اگر نمیخواهند احباط نمایند رجوع بغير نمايند
 لکن در بول در باب جاری یک دفعه کافیست ان شاء الله
 مسئله اب فئات در باب زکوة در حکم چاه آب
 جاری است در حکم جاریست و حکم عشر است
 احباط مطلقا که رجوع بغير در آن جایز و مخالفست
 غیر از این بیجهت است و احباط مستحب که مخالفست
 رجوع در آن جایز است کدام است چون اگر مسیوق
 فتویحه و احباط است از خود اخضر یا مقترن بغير
 نیست مثل اول و بخوان است بغير یا مکاشف
 است و الا مطلقا است مسئله کلا بنوینا
 که بغير بطلا داشتن آن ندارد چه احتمال میرود
 که رنک نباشد یا آنکه بغير بطلا بودن دارد و
 شک در استیلا از آن بغير است در نماز چه حکم دارد

جواب اگر یقین بطل بودن نیست بعد نیست جایز
 باشد با احتیاط شدید و اگر یقین باشد و شک در
 استیلاک باشد نمیشود مسئله لباس نجبی در
 میان است لباس طاهر مشبه شود یا شبیه محسوس
 باشد و میزان غیر محسوس چیست جواب ظاهر محسوس
 و مدار غیر محسوس باید این باشد که کثرت اطراف محسوس
 باشد که احتمال نجاست در احادیثی که ملاحظه
 شوند بحد ضعیف باشد که عفت و اعتناء بان احتمال
 نکنند و آنرا در حکم عدم شمارند و تکلیف با جنس
 را در اینصورت منجز ندانند و اگر اتفاق افتد و
 در محذور مخالفت واقع شود و را معذور بشمارند
 باید دانست که ملا فی بعض در محسوس طاهر است
 با انحصار جامه در مشبه در محسوس اگر تکرار کند میان
 را زاننده بر عذر منجر موجب معلوم بالاجمال نه یقین

بهر سبب که از در آن امر شده نماز صحیح است نشسته
 الله اگر چه بعضی از علماء میگویند و اینست حکم آن
 که نماز طهارت با یکدیگر **مسئله** زکوة مال و زمین
 که ظلم جبرامیکیرند و بعضی از علماء میگویند با شجر
 بر عا الذیته عیشونی با واجبست و باین خود
 بمسئله جواب در بعضی اخبار معتبر است و چنانچه
 همین سؤال کرده اند. قوم ظالم و کرام و ائمه الضالین
 لاهلها و مقتضای این جورده از اخبار لزوم دادن
 زکوة است تا بناچار بجهت مقتضای قواعد نیز همین
 و در بعضی اخبار رخصت احتساب است از زکوة و
 این که ثابت باشد با ایشان ندهد و خدا عفوین از
 علماء در مسئله اشکال کرده اند بافتوری با عاده
 داده اند و بعضی فتوی با احتساب گفته اند و بعضی
 نیست همین قول لکن احتیاط در این افتضا اخبار

در مقدار باقی مانده است بقدر خود شمس ^{۱۱۵} مسئله
 مؤن را عدد را بکوه مطلقا چه قبل از غلق زکوة
 یا بعد از آن بیا بر است اخراج آن نمایند و کوه باقی
 بدهند ^{مسئله} چنانچه الزام نمیکند با بیک اخراج مؤن
 نمایند و زکوة هم را بدهند و چون مسئله خالی
 از اشکال نیست اگر چه در نظر درج المنة و بعد
 وضع مؤن بر است که در قسمت نمیدهند که با این
 من عمل نمایند چه مضایقه مرخص نمیکند رجوع بغيره را
 که در وقت دهد ^{مسئله} شخصی که تراحتی پیش
 دارد که حکم را چنانکه طایع ما بین غسل جبیر و تیمم
 هرگاه بعد از طهارتین و نماز محدث بعملا صغر شد
 باید وضوء تنها بکند یا آنکه تیمم بدل از غسل نماید
 بعمل بیاورد چنانچه در صورتی که بفرموده تیمم را
 اعاده میکند بدل از غسل احتیاطا وضوء میکند

احسانا از جهت اینکه اگر کسی پیش از غسل بوده حالا
 که حجت از او سر زده باشد و بگوید و اگر نکلیتم
 بوده بتم سابو او که بعد از غسل بوده منتقض است
 بخلاف صریحاً آنچه مشهور است اینست که باید تا بتم بعد از غسل
 نماید ^{۱۱۷} **مسئله** در خانه و املاکی که از عقال ظلم
 میماند و ورثه تقسیم و تصرف میکنند و امتناع از
 دادن مظالم دارند نماز در آن چه صورت دارد با آنکه
 احتمال میرود که خود موثر در مظالم خود گردد مثلاً
 با آنکه این ملکر در جهات خود بی اثر نماید اگر
 باشد بعضی با تجانا و بر فرض عدم جواز نماز در آن
 هرگاه شخص چیزی از باب اجرت تصدق بدهد
 در آن تصرف نماید بقیشتن و خوابیدن و نماز کردن
 و بخواند حکم چیست با آنکه این استیجاب صلاح است
 برای فقراء که اگر نکنند بیکدیگر فائز برای ایشان ندارد

چنانچه اگر احتمال آنکه نوشته اید قائم نباشد بر
 که شرعاً توان با آن احتمال بنای عمل ندارد خوبست لکن
 با اینکه در حق و شرع درست و بوده و شرعاً محکوم
 بملاکت او بوده مشکلت اعتناء با احتمال غلبه
 بر شرع در چنان خود مگر از باب حمل فعل بر شرع است
 و مشکل است مضایقه نیست احتمال اینکه مظالم
 را خود رد نموده باشد بد نیست اما با عکس قیام
 اگر صاحب حقوق معلوم نباشند مضایقه نیست
 جواز نقص خبر بر لکن با آنکه اگر از استنباط آن از حاکم
 شرع معتبر است اذن گرفتن از او و بکن نمکن
 بعد نیست بر جهات انفقاء بموجب: ^{بند} و عملنا
 مسئلہ کی خس بر ذمه دارد و عین هدیه
 فقیر میتواند چیزی از مال او عوض خس بردارد نصف
 از افرایش هم امثال بجهت بد عده و نصفی را قرض خود

کذا

کند و همچنین فقیر نیست بکسی که باید زکوة و مظ
 بدهد جواب این بدو است که حکم شرع و ممکن از
 استبداد معلوم نیست توان برداشت ^{۱۱۹} مسئله
 هرگاه دیوبند بگوید نیست جایز است که از وجه
 زکوة خانه خرید شود و شخصی اجرت بدهند که
 آنخانه روزی چند ساعت بنشیند و مردم را تعلیم
 مسائل لازم نماید یا نه و فرقی بین آن دو نیست
 یا نه جواب مضایقه از خریدن خانه از وجه زکوة
 نیست لکن در اجرت گرفتن بر تعلیم واجب است
 و اگر فقیر باشد از حق فقراء باو بدهند یا از سبیل
 الله ^{۱۲۰} مسئله این پنج مسئله هم خبر بود
 بنصب عرفی بکنند که بوجه انهم ذاری جمیع خواص
 و آثار این پنج مسئله باشد یا این پنج مسئله از عرفی ظاهر است
 و علل این پنج مسئله و حرام جواب این پنج مسئله حرام

سَمَلُهُ زَارَانِ بِأَمَلِهِ لَيْسَتْ لَهُمْ مَقُولٌ دَاوَمٌ
 فِي عَيْنِهِ لَدَا بَانِ زَوْدِ نَزَرِ لِي بِحَرْفِ مَوْجِ طَبِ
 بِسَمِ قَدِ الرِّجْمِ أَرْحِمِ رَسْمِ تَلَبُّبِ بَارِدِ وَحَالِ بَارِدِ
 بِمَنْجَرِ كَيْهِنْ مَخَاسِثِ دَلَانِ بِنَاشِدِ بِنَاشِدِ
 مَخَاسِثِ مَرَايِثِ دَلَانِ كَرْدِ هَامِثِ مَطْلَعِ اسْتِ
 وَحَاجِثِ بِنَعْدِ وَعَصْرِ نَبِثِ وَتَقُولِ وَغَيْرِ
 اِبْنِ حَكْمِ بَكْسَانِثِ وَاللَّهُ تَعَالَى الْعَالَمِ ^{۱۳۲} سَمَلُهُ
 اَزْمَنْتِ الْمَذْمُومَةَ بِالْصَّلَاةِ وَالْوَجْدِ وَالْقَوْمِ الْوَقَا
 صَلَةِ مَسْجِدِ بَا صَوْمِ مَسْجِدِ صَبِي وَجَابِزِ وَجِبِ
 ثَوَابِثِ بَا خَيْرِ جَوَالِبِ دَرِ صِلْوَةِ اَظْهَرِ مَحْتِ وَبِنَا
 بِرَابِنِ اسْتَحْفَافِ ثَوَابِثِ نَهْزِ مَسْتِ لَكِنْ اَحْوِطِ زَعَا
 فَرَاغِ ذَمِّهِ اسْتِ اَزْمَنْتِ زَوَاجِبِ دَرِ مَوْاسِكَ اسْتِ
 اَحْوِطِ تَرْكِ اسْتِ وَاللَّهُ تَعَالَى الْعَالَمِ ^{۱۳۳} سَمَلُهُ
 مَا هَوِثِ دَرِ نَمَازِ جَابِزِ اسْتِ بَا خَيْرِ جَوَالِبِ خَائِبِ

بالمخت

انشاء الله تعالى واحوط تركت مسئلة راجعة
 اموال مختصة بالثالث منافع تندرجا في سنة تلك
 فخلطتها به سنة وصاحبها مؤنة سنة من المجموع فهل
 له عزل مقدار المختار لا الجبر الى الله الرحمن
 الرحيم الاحوط ان لا يحسبها من خصوص غير المختار
 بقطب عليه على المنافع المتجددة بالنسبة واحوط
 منه ان يحسب جميع المؤنة على المختار والله تعالى العالم
 مسئلة لو نطق المصلح حال الصلوة في المضا
 البه غير صحيح هل يلزمه اعادة مع المضاف ام يقصر
 عليه وكذلك لو نطق في المعطوف فهل عليه اعادة
 مع المعطوف عليه ام يقصر عليه وكذلك في الجرو
 هل يلزمه اعادة مع حرف الجرام لا وكذلك لو كان
 صفات متعددة ونطق بالتأنيده غير صحيح فهل
 اعادة مع التأنيده وكذلك لو نطق في لفظة شريك

من قوله وحده لا شريك له غير صحيح فها عليه اعادته
 مع حرف النفي ام لا **الجواب** بسم الله الرحمن الرحيم
 بعد الجزاء وما هو كالحزء ولا بعد لزوم اعادته ^{فان}
 لا المعطوف عليه ولا الصفات المتأبذة ^{وتنجز}
 والتعريف والنفي ونحوها كالحزء والله تعالى اعلم
مسئله ۱۲۶ جو در غیر از شباب مسیف و مصنف
 خانم هست یا خیر **جواب** این مخصوص با مواردی
مسئله ۱۲۷ مراد از شباب غصه و ملبوس حال انچه
 با انعم است از ملبوس مطلق و معد برای این خصوص
 است یا پنجه پوشیده است و اما اجناس **جواب** این
 مخصوص است با پنجه پوشیده و لواجن **مسئله ۱۲۸**
 از مسیف و ما بعد جنس مراد است یا واحد بر وزن
 ثانی طریق غیبین چیست **جواب** مراد واحد است
 و با تعدد غیبین باخبار و ارادت **مسئله ۱۲۹**

فایده خلاف علی ایضا و صحت است با خبر جمعی است

ملاحظه است ^{۱۳۰}مسئله در پوشیدن و آشپزی از پیش

مخصوص است با خبر جمعی است ^{۱۳۱}مسئله

عمامه و قندیس و خنجر و شتاب است با خبر جمعی است

غیر از عمامه بنا بر ظاهر داخل نباشد ^{۱۳۲}مسئله

در صورت تعدد اکبر تکلیف چیست جمعی است

فصل نهم در ^{۱۳۳}مسئله در این مانع است یا نه

بر فرض منع مخصوص است بمنزله یا اتم است

چون ^{۱۳۴}مسئله در این غیر مستغرق مانع نیست مسئله

و صحت مثلث ایا نافذ است نسبت بمجوه یا خبر

جمعی است و صحت از غیر مجوه محسوب میشود مگر

اینکه بعد از مجوه و صحت کند که نافذ است ^{۱۳۵}مسئله

مساوات نشاء و مهاد با جوه شرط است با حکم القم

جمعی است ^{۱۳۶}مسئله در آنکه بر چه چیز است

باخوشت انداختن جایز است یا خیر **مسئله** ۱۳۷
 جایز است **مسئله** ۱۳۸ چوبی که از گوشت نجس در
 حوض میافتد و کف ضایع و نجس و اینگونه را بعد
 بجز و صول باب کریم **مسئله** ۱۳۹ اگر کسی
 متین کرد بطریق دیگری و بعد بقیش بر طرف شد
 خود از و ملا فی آن حکم نجس دارد **مسئله** ۱۴۰
 که شخص قبل از بلوغ کرده است باطل است و
 بعد از بلوغ اگر دسترس در بیان شخص که باید
 تا بنا معامله کند و اگر صاحب مال بخواهد
 بکند میتواند و اگر دسترس نباشد یا اینکه
 بخواهد مال را پس بگیرد بدن مرتجع **مسئله** ۱۴۱
 نقاص کند و این را عوض آنچه داده است بپردازد
مسئله ۱۴۲ بعد از فشار اول رخت مثلا اگر
 دست را ظاهر کرد و دوباره برخت گذاشت **مسئله** ۱۴۳

بردن بارخت در گرفتار و بی سخت طاهری

کرد ^{۱۴۱}مسئله در شک در بکیره الاحرام قبل از

شروع در فرائض و استغاده و غیر است و اما در

حال استغاده یا اشتغال بفرائض اعتبار ندارد

^{۱۴۲}مسئله ما موم اگر بدید مثلا که ان کسی که نیت

نزدن آن اتصال حاصل میشود بکیره الاحرام گفت

پیدا کند که چنین بکیره را بی خواهد یا نه یا باطل خواهد

کرد هم چنانکه بعضی میکنند افتد امینو اند بکنند

^{۱۴۳}مسئله یا حرم یا حرمها مشاهد مشرفه و مشاجد یا

احتمال اینکه از کسی مانده باشد میتوان نماز کرد

ولی احتیاطا اگر قصد تمسک بکند و بعد هم بگذارد

هتر است ^{۱۴۴}مسئله باران که از صفت میچکان حکم

اب غلبه دارد اگر چه خود سقراط طاهر میسکند

^{۱۴۵}مسئله در نظهر ظریف باب غلبه اگر در حین

و بختن آب جوی بر پزند که در زمان دور ظرف بگردانند
 با اول بر پزند و بعد ظرف را نکان بدهد که نشانش
 برسد با باد مستر آب در ظرف بهمه جایش برسد
 ضرر ندارد ^{۱۴۶۶} **مسئله** در نظهر دست با آب اگر
 آب بر پزند بر روی دست و ابرافطع کند و بعد
 دست را بهم بمالد که آب بهمه جایش برسد ضرر ندارد
^{۱۴۶۷} **مسئله** نذر و عهد و قسم تعلق نمیکرد مگر
 با حر راجح و رجحانش باید مستمر باشد و هرگاه ^ن عجا
 بر طرف شد حل میشود بعد از ثابت و الدین و بر طرف
 شدن رجحان یا خواهش مؤمنی یا غیر اینها از ضرر
^{۱۴۶۸} **مسئله** اگر شخص قبل از وقت مشغول وضو یا ^{عسر}
 شد بقصد کون بر طهارت بعضی اعضا را که شستن
 وقت داخل شد میتواند وضویش را بهین قصد
 سابق تمام کند و میتواند در باقی اعضا قصد ^و

کند مسئله اگر در نماز مسئله از برای شخص
 افتاده که بپنداند و مردی است که تکلیفش اینست که
 اینطور بکند یا آن طور در هر طرف که غنطه دارد که
 چنان است بکند و هم چنین هرگاه هر دو طرف مساوی
 باشند در نظرش بنا بر یکطرف گذارد و در هر
 دو صورت که تکلیفش این است عمل کند و بنا بر این
 این بگذارد که بعد از نماز سوال کند اگر آنچه کرده
 موافق تکلیفش بوده نمازش صحیح است و الا اعاده
 کند و در صورت موافقت هم احوط اعاده نماز است
 اگر چه این احتیاط لازم نیست و باید دانست که
 کثیر الایستلاء نباشد و الا اگر مناسلی باشد که بسیار
 محل ایستلاء واقع میشود و تقصیر در فعلش کرده باشد
 نمازش باطلست و همچنین هرگاه اخذ کرده باشد
 ولی تقصیر در ضبط و حفظش کرده باشد نمازش

باطلست زیرا که هم چنانکه واجبست تحصیل نماز
 واجبست حفظش که از یادش نرود تا در مقام عمل
 معطل نماند و اما اگر در حفظ آنها کوتاهی نموده
 باشد و اکثر النسیب نبوده باشد در حال نروید
 آنچه ذکر شد بجا بیاورد و بعد از نماز اگر موافق
 افتاده باشد نمازش صحیح است اگر چه بالنسبه عیسا
 که کثیر الایب از است عم نبوده باشد ^{مسئله}
 بنده کسب نغز کردانی است و معاشم از این راه
 و طریق ایشانست که مرد لباس زن عیپوشد
 جبه میشود و یا روی در نماز عیپوشد و یا
 پیراهن عربی عیپوشد و چپه بپوشد و یا
 این جور جایز است یا نه و اجرت گرفتن بران و
 در هیچ مجلسی چه صوت دارد ^{جواب} بی جایز است
 بشرط آنکه غنا خواندن در کار نباشد و اشعار

دروغ بخوانند و زن و مرد مخلوط بهم نباشند و
 اصلاً موجب معصیتی نشود ^{۱۵۱} **مسئله** و معنی غنا
 چیست **جواب** مراد از غناء خوانندگی و مشغولیه است
 که افسانه از خدا و خود غافل میکند و حقیقت
 غناء همین است اگر چه بشوید هم بوده باشد و فری
 نیست در این نحو خواندن مابین قرآن خواندن و
 دعا و روضه خواندن و داخل است در آن ^{بصیف}
 خواندن و حرام است از آن گفتن و مناجات کردن
 اگر بگویند مذکور بوده باشد و از این قبیل است نزد
 گویند در وقت دلالت شدن مشایخ و خواندن
 حکایات اگر بان نحو بوده باشد و خارج است از
 غناء خواندن قرآن و دعا و اشعار و غیره ^{معصیت}
 بگویند و حزن مثلاً بلکه بسیار روح است تلاوت
 این بلجریری بارفت و مشغول و حزن ^{۱۵۲} **مسئله**

دروغ در مورد بیکه دانست گفتن موجب هتک
 حرمت و عرض مؤمن با فاش شدن شر با اینداز
 آنها نشر شود جایز است بانه جوابی جایز است
 بلکه وجوئیر بعد نیست ^{۱۵۳} مسئله هرگاه شخص
 علم یا مظنه داشته باشد باینکه بسبب بجا آوردن
 افعالی مستحب نماز بعضی از افعال واجبه اش در
 خارج وقت واقع میشود جایز نیست بجا آوردن
 مستحباتش و اما در صورت مظنه داشتن ببقاء وقت
 بمقدار بجا آوردن تمام افعال از واجب مستحب
 پس جایز است بجا آوردن مستحبات و در صورت شك
 جایز است استصحاب بقاء وقت و كردن مستحبات
 ولی در اینصورت احتیاط در ترك افعال مستحبه
^{۱۵۴} مسئله هرگاه خواندن سوره موجب این شود
 که بعضی از افعال واجبه دیگر نماز در خارج وقت

واقف ميثود بابا بنوهر زانرك كند **مسئلة ١٥٥**
ما قولكم دام ظلكم هل تفتح النافلة المبتدئة او
ذات السبب بعد دخول الوقت وقبل اداء القرية
الجواب بسم الله الرحمن الرحيم لا يبطل الجواز
ان كان الاحياء اذ لك **مسئلة ١٥٦** هل يصح نية
التدب بالوضوء بعد دخول الوقت وقبل اداء الوضوء
الواجب ام لا **الجواب** بنوى القرية لا التدب
المصطلح مسئلة ١٥٧ من استوجر على ختم القرآن
فختم ثم عثر على غلطة في الاثناء فهل يجب الاعادة
من موضع الغلط ام لا **الجواب** الظاهر عدم الوجوب
لكن يجتنب باعادة الآية التي فيها ذلك الغلط
مسئلة ١٥٨ اذا عبت بطفل ولم يعلم الا بزوج فهل
يحرم على العايب نخث الموهوء ام لا **الجواب**
مقتضى الأصل عدم الحرمة لكن الأسوط الألبشتاب

^{١٥٩} **مسئلة** اذا علم الاباح ثم تزوج الواطى اخف
 الموطوء جاهلا بالموضوع ما اخذكم او جاهلا بالحكم
 ما حكم **الجواب** الجاهل ليس عذرا في المقام ^{١٦٠} **مسئلة** المشغل اذا ظن بنفسه
 فابدية الاجتهاد فهل يجب عليه التحصيل عينا ام لا
الجواب الا حوط التحصيل ^{١٦١} **مسئلة** من شغل
 ذمته بواجب اذا ادبى او غيره فهل يصح عبادته
 قبل غيب الوقت ام لا **الجواب** لا يخلو عن اشكال
^{١٦٢} **مسئلة** المدينون الغير المطالب هل يجب عليه
 الاداء فوراً عند التمكن ام لا **الجواب** اذا كان الذي
 راضيا بالتأخير لا يجب ^{١٦٣} **مسئلة** المدينون الذين
 لم يعلم الغريم به بحيث لو علم لطالب فهل هو في حكم
 المطالب ام لا **الجواب** هو بمحكم المطالب ^{١٦٤}
 ما قولكم دام ظلكم في ابوين عفا عندهما كراخ على

خفي من وبعدها بلوغ نعت الولد عن المهر والنفقة للمهر
 وهل يخرج الأب على دفع المهر والنفقة أم لا وإذا توفي
 الأب الولد معسر فما الحكم في ذلك ولو كان كل من الأب
 والولد معسرا فما حكم الجاهل إذا كان للصغير حال ^{العقد}
 مال فالمهر عليه وإن عسر بعد ذلك وإن لم يكن له مال
 حال العقد فالمهر على الأب موثرا كان أو معسرا وفي هذه
 الصورة إذا مات الأب يخرج المهر من أصل الثروة ونفقة
 هذه الزوجة التي زوجها الأب ولده الصغيرة كنفقة
 غيرها التي زوجها الولد في كبره والله تعالى العالم
 مسئلة مفقدا الأنا ما عرض به من شخصي فوت ^{شده}
 ووصيتي بنودي موافق وصيت نامه افاض محمد حسين تاجر
 اصنفها ذيرا وصي بثلث خود فرار داده كرا باطلاع
 نظارت افاض عبد الكريم تاجر اصنفها في ثلث او را در
 متخصم خارج نمايند وصيت نامه مفقود شد و مصفا

معینه بطریق قطع و یقین در نظر و حتی نموده و بناظر هم
 فراموش نموده بعضی از مصاف فی الجمله قطعی ایشان است
 از آن جمله حج است و لکن شک دارند که آیا حج بلدی
 و صیبت شده یا مبقاتی از آن جمله است صوم و صلوة
 استیجاری بنیابست موصی و لکن شک دارند در مقدار
 آن که چند سال و صیبت نموده که داده شود بعضی از
 مصاف مظنون مشاخم بعلم است از آن جمله رد مظالم است
 لکن شک در مقدار آن دارند که چه مقدار و صیبت
 شده بدهند از آن جمله سهم امام است و شک در
 مقدار دارند و بعضی از مصاف مظنونست و در بعضی
 مسلم از آن جمله است روضه خوانی نمودن و شک
 دارند در اینکه بچه قسم و صیبت شده که ثبوت آیا
 روضه با اطعام است یا بدون آن و بعضی از مصاف
 مشکوکست که آیا و صیبت شده که بوارث او هرگاه

نقل کرده اند در رد این ادرا بر وجه الله علیه و آله
 قضاء مرده فرموده ان غلبه الظن بکفی فی العمل
 بالنکاح لیس الشریعة اجماعا و در ثرت در مظنون مینا
 دو متباین حکم چنان است که در موقوف کفنه شد
 و اگر ثرت در بین اقل و اکثر باشد اقل متعین است و زاید
 مشکوک است در مرد و مسئله بلی اگر فرد زاید از جو
 بر باشد مثل روضه خوانی با اطعام و بی اطعام مثل
 مضاف مشکوک است ابتدا بته مضایقه از صرف نیست
 چنانچه اگر پیر فقیر باشد با و دادن و غیره و نمون
 باین لحاظ بی وجه نیست و ثرت در حج بین بکد و مینا
 محتمل است از اقل اکثر باشد و الله تعالی العالم
 مذکور شد که بکفر و ثولی طرفی عقد و انجوزین
 فرموده باید سبعا عقد کن احرار یا فرمایند جوی
 بسم الله الرحمن الرحیم امر فروج است شهادت و احتیاط

در آن مطلوب است الاقل جمع کند مثلاً خود از خود
 و طرف دیگر بری و با طرف دیگر بنیاد می بخواند
 مسئله شریک در ملک هرگاه ابا و اعدا
 از نعمت نماید ابا برای شریک دیگر نماز خواندن
 ملک چه صورت دارد یا باید حکم شرع او را اجبار
 بنفسم نماید که در غیر انصورت عبادت شریک صحیح نیست
 جواب اینکه از رجوع بحاکم و مقام عدول باعد
 نمکن از حکم مشکوک بلکه صحیح نیست مسئله ۱۶۸
 هرگاه شخصی شریک را از برای دیگری هدیه بفرستد
 قبل از نمودن ^{مضی} حکم الهی از شیئی را با جا بر است نصرف
 نمودن در آن از برای کسی که علم بر ضابط حکم الهی
 آن نصرف داشته باشد یا نه جواب ^{مضی} است که صحیح
 نکرده است حکم الهی از آن شیئی بر ملکیت محمدی
 باقی است و معتبر در رجوع نصرف در آن رضایت محمدی

است نه همگانه ^{۱۷۵} مسئله در وقت شنیدن
 مبارک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله صلوات بر آن
 حضرت واجبست یا نه جواب و جویز معلوم نیست
 ولی مترادف نیست ترك نمودن و وارد شده است
 من ذکر کند و تنی آن بصلی علیه خطاء الله به طریق
 البجته ^{۱۷۶} مسئله استحباب صلوات در ذکر آن
 حضرت مختصر بذكر آن حضرتست با اسم مبارک یا در
 مطلق ذکر آن حضرت جاری است جواب احتیاط
 در صلوات در مطلق ذکر آن حضرتست چه ذکر با اسم
 مبارک و چه بوصف و از اوصاف شریفه آن حضرت
 بوده باشد حتی در ضمیر و اجمع بانحضرت ^{۱۷۷} مسئله
 هرگاه مکرر ذکر آن حضرت بشود یا با در هر مرتبه
 است صلوات یا آنکه یک دفعه که صلوات بفرستد
 کفایت میکند جواب در هر دو ^{۱۷۸} مسئله

هرگاه شخص مثلاً در تشهد است و اسم مبارک آن شخص را
 میخواند یا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ صَلَّوْا عَلَى رَسُوْلِكَ مِنْكَ
 برای شنیدن اسم مبارک آن حضرت و هم از برای تشهد
 بانه چیزی است که کفایت نمیشود نمود و هر یک از این
 سه یکی است **مسئله ۱۷۳** هرگاه شخص در نماز
 مشغول بقرائت مثلاً بوده باشد و ذکر آن حضرت
 بشود یا با یاد همان آیه که مشغولست تمام کند و صلوات
 بفرستد یا آنکه میتواند يك آیه یا دو آیه دیگر را
 بخواند بعد از آن صلوات بفرستد **جواب** میتواند
 و لکن بشرط اینکه طول معذبه نکند **مسئله ۱۷۴**
 صلوات بر آنحضرت هر نحو که باشد کفایت میکند
 بانه مثل اینکه بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 یا بگوید صَلِّ عَلَى اَبِي عَبْدِ اللَّهِ یا غیر از این و جور دیگری
جواب بل کفایت میکند **مسئله ۱۷۵**

از حالات نماز که استماع ذکر این حضرت ^{در صورت} ^{در صورت} ^{در صورت}
 بر آن جناب مستحب است حتی در حین قرائت امام که نماز
 ساکت است و استماع مینماید قرائت امام را بانه ^{چون}
 بلی حتی در آن حالت ^{مسئله} ^{۱۷۶} هرگاه شخص اسم مبارک
 آن جناب را بنویسد یا مستحب است نوشتن صلوات
 بر آن حضرت یا نه ^{چون} ^{مسئله} ^{۱۷۷} مستحب است هرگاه
 شخص اسم مبارک آن جناب را بخواند بطلان نماز نیست
 اینهم داخل در ذکر آن جناب است و مستحب است صلوات
 بر آن حضرت یا نه ^{چون} ^{مسئله} ^{۱۷۸} مشکل است ولی بعید نیست
 حدیث شریف من ذکرنی او ذکرک عندی شامل اینصورت
 بوده باشد و از ذکر آن جناب بوده باشد ^{مسئله} ^{۱۷۹}
 در نزد استماع ذکر هر یک از ائمه با خیر صدقه
 هم مستحب است صلوات بر هر یک از ایشان که ذکر
 بشوند چهار مرتبه در نماز و چه در خارج نماز یا نه ^{چون}

بلی مستحب است ^{خزانه ۱۷۹} مسئله در اجتماع یا ذکر هر يك

از ابناء هم در هر حال که بوده باشد صلوة و سلام

بر هر يك از ایشان که ذکر بشوند مستحب است یا نه ^{مسئله ۱۷۸}

بلی مستحب است ولی اول صلوات بر حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و آله و انجناب باید فرستاد مگر در ذکر

حضرت ابراهیم که شاید مستحب بوده باشد که اول صلوات

بر آن حضرت فرستاد ^{مسئله ۱۸۰} مسئله در مسجد را و هر دو خراب

است یا با جا پز است باذن حاکم شرع یا بدون اذن حاکم

شرع بیکر افر و خن و شمشیر بکری کردن ^{مسئله ۱۸۱} ^{مسئله ۱۸۲}

خرد و فروش مسجد ^{مسئله ۱۸۱} مسئله در بیست مسئله

اگر مسائل مسئله با مسائل سر و البشا و مسائل انجا

البشا و مسائل انجا اختلاف با هم داشته باشند یا اگر ام

يك باید کرد ^{مسئله ۱۸۳} ^{مسئله ۱۸۴} ^{مسئله ۱۸۵} ^{مسئله ۱۸۶} ^{مسئله ۱۸۷} ^{مسئله ۱۸۸} ^{مسئله ۱۸۹} ^{مسئله ۱۹۰} ^{مسئله ۱۹۱} ^{مسئله ۱۹۲} ^{مسئله ۱۹۳} ^{مسئله ۱۹۴} ^{مسئله ۱۹۵} ^{مسئله ۱۹۶} ^{مسئله ۱۹۷} ^{مسئله ۱۹۸} ^{مسئله ۱۹۹} ^{مسئله ۲۰۰}

با قوی مجوز اختلاف نیست یا باید بگوینا قتل کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله در متن مسئله فتوی نوشته و جناب ^{شما} رجا
 میفرمایند علی الاحوط مراد را این باشد جواب
 علی الاحوط اشاره باین است که آنچه در متن است حکم
 کردن بان از باب احتیاطست نه فتوی ^{۱۸۳} مسئله
 فصل داخل در جروح است بآء فاصدق جروح می
 کند جواب بظاهر داخل جروح نیست ^{۱۸۴} مسئله
 با صد نماز کردن جایز است بآن و صد جزو باین
 باشد نادری و فایده آن پاکبسه بود میباشد و مصی
 حامل آن فلا آن پاکبسه باشد فرقی دارد بآن جزو
 خفیفتر است درست نمیدانم که آنچه در جواب او است
 جواب است بآن و علاوه بر آن این صد جزو او است
 با او مشکون در وسط این است مثل پیشه مشکون
 در اثر بعضی درختها یا بکرم مشکون در آنها ^{۱۸۵} مسئله
 در مسئله نوشته است هرگاه فضا، بقیه ندارد

منجوا هلا خطا طایب یا بیاورد ماموما یجا عت میبوند
اما ترك امامت احوطست جنابنا فی فرموده اید یعنی
ترك افتدء در این نماز احوطست اولا اینکه احوط
استحبابیست یا احوط مطلق است و ثانیاً
ماموم نماز احنبا طایع بخوانند و امام واجب یا بکسر یا
هر دو احنبا طایع بخوانند یا ماموم احنبا طایع بخوانند و
امام واجب استیجار فی زیارت کسی که آن کس نماز و
بغیر این بر ذمه نداشته باشد یا ماموم استیجار فی
افتدء کند یا امام مزبور تفصیل را بیافزاید چیزی
در افتدء این نماز بکسر از باب احنبا یا بجا آورد معشود
چنان خود و چه از غیر خود ناقص است و جمیع معبر
عمامت و نماز ماموم اگر از باب احنبا طایع باشد افتدء
و در قس ضرر ندارد چه از خود باشد چه از غیر بجا
بکند عجب ندارد ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^{۳۹۹} ^{۴۰۰} ^{۴۰۱} ^{۴۰۲} ^{۴۰۳} ^{۴۰۴} ^{۴۰۵} ^{۴۰۶} ^{۴۰۷} ^{۴۰۸} ^{۴۰۹} ^{۴۱۰} ^{۴۱۱} ^{۴۱۲} ^{۴۱۳} ^{۴۱۴} ^{۴۱۵} ^{۴۱۶} ^{۴۱۷} ^{۴۱۸} ^{۴۱۹} ^{۴۲۰} ^{۴۲۱} ^{۴۲۲} ^{۴۲۳} ^{۴۲۴} ^{۴۲۵} ^{۴۲۶} ^{۴۲۷} ^{۴۲۸} ^{۴۲۹} ^{۴۳۰} ^{۴۳۱} ^{۴۳۲} ^{۴۳۳} ^{۴۳۴} ^{۴۳۵} ^{۴۳۶} ^{۴۳۷} ^{۴۳۸} ^{۴۳۹} ^{۴۴۰} ^{۴۴۱} ^{۴۴۲} ^{۴۴۳} ^{۴۴۴} ^{۴۴۵} ^{۴۴۶} ^{۴۴۷} ^{۴۴۸} ^{۴۴۹} ^{۴۵۰} ^{۴۵۱} ^{۴۵۲} ^{۴۵۳} ^{۴۵۴} ^{۴۵۵} ^{۴۵۶} ^{۴۵۷} ^{۴۵۸} ^{۴۵۹} ^{۴۶۰} ^{۴۶۱} ^{۴۶۲} ^{۴۶۳} ^{۴۶۴} ^{۴۶۵} ^{۴۶۶} ^{۴۶۷} ^{۴۶۸} ^{۴۶۹} ^{۴۷۰} ^{۴۷۱} ^{۴۷۲} ^{۴۷۳} ^{۴۷۴} ^{۴۷۵} ^{۴۷۶} ^{۴۷۷} ^{۴۷۸} ^{۴۷۹} ^{۴۸۰} ^{۴۸۱} ^{۴۸۲} ^{۴۸۳} ^{۴۸۴} ^{۴۸۵} ^{۴۸۶} ^{۴۸۷} ^{۴۸۸} ^{۴۸۹} ^{۴۹۰} ^{۴۹۱} ^{۴۹۲} ^{۴۹۳} ^{۴۹۴} ^{۴۹۵} ^{۴۹۶} ^{۴۹۷} ^{۴۹۸} ^{۴۹۹} ^{۵۰۰} ^{۵۰۱} ^{۵۰۲} ^{۵۰۳} ^{۵۰۴} ^{۵۰۵} ^{۵۰۶} ^{۵۰۷} ^{۵۰۸} ^{۵۰۹} ^{۵۱۰} ^{۵۱۱} ^{۵۱۲} ^{۵۱۳} ^{۵۱۴} ^{۵۱۵} ^{۵۱۶} ^{۵۱۷} ^{۵۱۸} ^{۵۱۹} ^{۵۲۰} ^{۵۲۱} ^{۵۲۲} ^{۵۲۳} ^{۵۲۴} ^{۵۲۵} ^{۵۲۶} ^{۵۲۷} ^{۵۲۸} ^{۵۲۹} ^{۵۳۰} ^{۵۳۱} ^{۵۳۲} ^{۵۳۳} ^{۵۳۴} ^{۵۳۵} ^{۵۳۶} ^{۵۳۷} ^{۵۳۸} ^{۵۳۹} ^{۵۴۰} ^{۵۴۱} ^{۵۴۲} ^{۵۴۳} ^{۵۴۴} ^{۵۴۵} ^{۵۴۶} ^{۵۴۷} ^{۵۴۸} ^{۵۴۹} ^{۵۵۰} ^{۵۵۱} ^{۵۵۲} ^{۵۵۳} ^{۵۵۴} ^{۵۵۵} ^{۵۵۶} ^{۵۵۷} ^{۵۵۸} ^{۵۵۹} ^{۵۶۰} ^{۵۶۱} ^{۵۶۲} ^{۵۶۳} ^{۵۶۴} ^{۵۶۵} ^{۵۶۶} ^{۵۶۷} ^{۵۶۸} ^{۵۶۹} ^{۵۷۰} ^{۵۷۱} ^{۵۷۲} ^{۵۷۳} ^{۵۷۴} ^{۵۷۵} ^{۵۷۶} ^{۵۷۷} ^{۵۷۸} ^{۵۷۹} ^{۵۸۰} ^{۵۸۱} ^{۵۸۲} ^{۵۸۳} ^{۵۸۴} ^{۵۸۵} ^{۵۸۶} ^{۵۸۷} ^{۵۸۸} ^{۵۸۹} ^{۵۹۰} ^{۵۹۱} ^{۵۹۲} ^{۵۹۳} ^{۵۹۴} ^{۵۹۵} ^{۵۹۶} ^{۵۹۷} ^{۵۹۸} ^{۵۹۹} ^{۶۰۰} ^{۶۰۱} ^{۶۰۲} ^{۶۰۳} ^{۶۰۴} ^{۶۰۵} ^{۶۰۶} ^{۶۰۷} ^{۶۰۸} ^{۶۰۹} ^{۶۱۰} ^{۶۱۱} ^{۶۱۲} ^{۶۱۳} ^{۶۱۴} ^{۶۱۵} ^{۶۱۶} ^{۶۱۷} ^{۶۱۸} ^{۶۱۹} ^{۶۲۰} ^{۶۲۱} ^{۶۲۲} ^{۶۲۳} ^{۶۲۴} ^{۶۲۵} ^{۶۲۶} ^{۶۲۷} ^{۶۲۸} ^{۶۲۹} ^{۶۳۰} ^{۶۳۱} ^{۶۳۲} ^{۶۳۳} ^{۶۳۴} ^{۶۳۵} ^{۶۳۶} ^{۶۳۷} ^{۶۳۸} ^{۶۳۹} ^{۶۴۰} ^{۶۴۱} ^{۶۴۲} ^{۶۴۳} ^{۶۴۴} ^{۶۴۵} ^{۶۴۶} ^{۶۴۷} ^{۶۴۸} ^{۶۴۹} ^{۶۵۰} ^{۶۵۱} ^{۶۵۲} ^{۶۵۳} ^{۶۵۴} ^{۶۵۵} ^{۶۵۶} ^{۶۵۷} ^{۶۵۸} ^{۶۵۹} ^{۶۶۰} ^{۶۶۱} ^{۶۶۲} ^{۶۶۳} ^{۶۶۴} ^{۶۶۵} ^{۶۶۶} ^{۶۶۷} ^{۶۶۸} ^{۶۶۹} ^{۶۷۰} ^{۶۷۱} ^{۶۷۲} ^{۶۷۳} ^{۶۷۴} ^{۶۷۵} ^{۶۷۶} ^{۶۷۷} ^{۶۷۸} ^{۶۷۹} ^{۶۸۰} ^{۶۸۱} ^{۶۸۲} ^{۶۸۳} ^{۶۸۴} ^{۶۸۵} ^{۶۸۶} ^{۶۸۷} ^{۶۸۸} ^{۶۸۹} ^{۶۹۰} ^{۶۹۱} ^{۶۹۲} ^{۶۹۳} ^{۶۹۴} ^{۶۹۵} ^{۶۹۶} ^{۶۹۷} ^{۶۹۸} ^{۶۹۹} ^{۷۰۰} ^{۷۰۱} ^{۷۰۲} ^{۷۰۳} ^{۷۰۴} ^{۷۰۵} ^{۷۰۶} ^{۷۰۷} ^{۷۰۸} ^{۷۰۹} ^{۷۱۰} ^{۷۱۱} ^{۷۱۲} ^{۷۱۳} ^{۷۱۴} ^{۷۱۵} ^{۷۱۶} ^{۷۱۷} ^{۷۱۸} ^{۷۱۹} ^{۷۲۰} ^{۷۲۱} ^{۷۲۲} ^{۷۲۳} ^{۷۲۴} ^{۷۲۵} ^{۷۲۶} ^{۷۲۷} ^{۷۲۸} ^{۷۲۹} ^{۷۳۰} ^{۷۳۱} ^{۷۳۲} ^{۷۳۳} ^{۷۳۴} ^{۷۳۵} ^{۷۳۶} ^{۷۳۷} ^{۷۳۸} ^{۷۳۹} ^{۷۴۰} ^{۷۴۱} ^{۷۴۲} ^{۷۴۳} ^{۷۴۴} ^{۷۴۵} ^{۷۴۶} ^{۷۴۷} ^{۷۴۸} ^{۷۴۹} ^{۷۵۰} ^{۷۵۱} ^{۷۵۲} ^{۷۵۳} ^{۷۵۴} ^{۷۵۵} ^{۷۵۶} ^{۷۵۷} ^{۷۵۸} ^{۷۵۹} ^{۷۶۰} ^{۷۶۱} ^{۷۶۲} ^{۷۶۳} ^{۷۶۴} ^{۷۶۵} ^{۷۶۶} ^{۷۶۷} ^{۷۶۸} ^{۷۶۹} ^{۷۷۰} ^{۷۷۱} ^{۷۷۲} ^{۷۷۳} ^{۷۷۴} ^{۷۷۵} ^{۷۷۶} ^{۷۷۷} ^{۷۷۸} ^{۷۷۹} ^{۷۸۰} ^{۷۸۱} ^{۷۸۲} ^{۷۸۳} ^{۷۸۴} ^{۷۸۵} ^{۷۸۶} ^{۷۸۷} ^{۷۸۸} ^{۷۸۹} ^{۷۹۰} ^{۷۹۱} ^{۷۹۲} ^{۷۹۳} ^{۷۹۴} ^{۷۹۵} ^{۷۹۶} ^{۷۹۷} ^{۷۹۸} ^{۷۹۹} ^{۸۰۰} ^{۸۰۱} ^{۸۰۲} ^{۸۰۳} ^{۸۰۴} ^{۸۰۵} ^{۸۰۶} ^{۸۰۷} ^{۸۰۸} ^{۸۰۹} ^{۸۱۰} ^{۸۱۱} ^{۸۱۲} ^{۸۱۳} ^{۸۱۴} ^{۸۱۵} ^{۸۱۶} ^{۸۱۷} ^{۸۱۸} ^{۸۱۹} ^{۸۲۰} ^{۸۲۱} ^{۸۲۲} ^{۸۲۳} ^{۸۲۴} ^{۸۲۵} ^{۸۲۶} ^{۸۲۷} ^{۸۲۸} ^{۸۲۹} ^{۸۳۰} ^{۸۳۱} ^{۸۳۲} ^{۸۳۳} ^{۸۳۴} ^{۸۳۵} ^{۸۳۶} ^{۸۳۷} ^{۸۳۸} ^{۸۳۹} ^{۸۴۰} ^{۸۴۱} ^{۸۴۲} ^{۸۴۳} ^{۸۴۴} ^{۸۴۵} ^{۸۴۶} ^{۸۴۷} ^{۸۴۸} ^{۸۴۹} ^{۸۵۰} ^{۸۵۱} ^{۸۵۲} ^{۸۵۳} ^{۸۵۴} ^{۸۵۵} ^{۸۵۶} ^{۸۵۷} ^{۸۵۸} ^{۸۵۹} ^{۸۶۰} ^{۸۶۱} ^{۸۶۲} ^{۸۶۳} ^{۸۶۴} ^{۸۶۵} ^{۸۶۶} ^{۸۶۷} ^{۸۶۸} ^{۸۶۹} ^{۸۷۰} ^{۸۷۱} ^{۸۷۲} ^{۸۷۳} ^{۸۷۴} ^{۸۷۵} ^{۸۷۶} ^{۸۷۷} ^{۸۷۸} ^{۸۷۹} ^{۸۸۰} ^{۸۸۱} ^{۸۸۲} ^{۸۸۳} ^{۸۸۴} ^{۸۸۵} ^{۸۸۶} ^{۸۸۷} ^{۸۸۸} ^{۸۸۹} ^{۸۹۰} ^{۸۹۱} ^{۸۹۲} ^{۸۹۳} ^{۸۹۴} ^{۸۹۵} ^{۸۹۶} ^{۸۹۷} ^{۸۹۸} ^{۸۹۹} ^{۹۰۰} ^{۹۰۱} ^{۹۰۲} ^{۹۰۳} ^{۹۰۴} ^{۹۰۵} ^{۹۰۶} ^{۹۰۷} ^{۹۰۸} ^{۹۰۹} ^{۹۱۰} ^{۹۱۱} ^{۹۱۲} ^{۹۱۳} ^{۹۱۴} ^{۹۱۵} ^{۹۱۶} ^{۹۱۷} ^{۹۱۸} ^{۹۱۹} ^{۹۲۰} ^{۹۲۱} ^{۹۲۲} ^{۹۲۳} ^{۹۲۴} ^{۹۲۵} ^{۹۲۶} ^{۹۲۷} ^{۹۲۸} ^{۹۲۹} ^{۹۳۰} ^{۹۳۱} ^{۹۳۲} ^{۹۳۳} ^{۹۳۴} ^{۹۳۵} ^{۹۳۶} ^{۹۳۷} ^{۹۳۸} ^{۹۳۹} ^{۹۴۰} ^{۹۴۱} ^{۹۴۲} ^{۹۴۳} ^{۹۴۴} ^{۹۴۵} ^{۹۴۶} ^{۹۴۷} ^{۹۴۸} ^{۹۴۹} ^{۹۵۰} ^{۹۵۱} ^{۹۵۲} ^{۹۵۳} ^{۹۵۴} ^{۹۵۵} ^{۹۵۶} ^{۹۵۷} ^{۹۵۸} ^{۹۵۹} ^{۹۶۰} ^{۹۶۱} ^{۹۶۲} ^{۹۶۳} ^{۹۶۴} ^{۹۶۵} ^{۹۶۶} ^{۹۶۷} ^{۹۶۸} ^{۹۶۹} ^{۹۷۰} ^{۹۷۱} ^{۹۷۲} ^{۹۷۳} ^{۹۷۴} ^{۹۷۵} ^{۹۷۶} ^{۹۷۷} ^{۹۷۸} ^{۹۷۹} ^{۹۸۰} ^{۹۸۱} ^{۹۸۲} ^{۹۸۳} ^{۹۸۴} ^{۹۸۵} ^{۹۸۶} ^{۹۸۷} ^{۹۸۸} ^{۹۸۹} ^{۹۹۰} ^{۹۹۱} ^{۹۹۲} ^{۹۹۳} ^{۹۹۴} ^{۹۹۵} ^{۹۹۶} ^{۹۹۷} ^{۹۹۸} ^{۹۹۹} ^{۱۰۰۰}

دو می میکنند یا در میان افغان کلا بنوی
 و در نماز با از نقره صلوة یا الحنا چه صورت دارد
 جوی آب نقره عبت و طلاق اگر منهلک نباشد
 حرام است پوشیدنش و نماز هم صحیح نیست ^{مسئله ۱۸۷}
 ساعت صلا و نقره استعمالش حرام است بانه و بر
 حرمت منسلی اگر حامل آن باشد نمازش صحیح است ^{جواب}
 در حرمت استعمال فایده ما غنای شکاری که متصل
 است ناملت و علی ای حال بنماز ربطی ندارد ^{جواب}
 با متصل ضرر بنماز ندارد از این جهت ^{مسئله ۱۸۸}
 اگر سه عصابند و یک وجب نقره نباشد با تمام روی
 عصارا نقره گرفته نباشند ظرفیت بانه ^{جواب}
 ظرفیت است ^{مسئله ۱۸۹} خره که سرکه می اندازند
 در نوی آن آهن و نمود میریزند با نارنجی اندازند
 که خوش طعم شود چه صورت دارد ^{جواب} رجوع بدیگری

۱۹۰
 باینده مستحبی در خمر که سر که انداختند بچو شریک
 ناله خمره برسد و بعد که سر که شد بقدر یکو جنب
 مهر و دامقدار که پائین رفت بالتبع پاکست بانه و
 حکم بیعت در ذل خمر که منقلب بجز میشود می آید
 بانه چو **باب پاکست** **مسئله ۱۹۱** در عصه عینی
 نه هاب ثلثین مطهر است ایا این حکم در شیره
 مو بزایی که مو بر دام بگویند و در ثوی و اب مزین
 و میجوشانند تا شیره شود می آید بانه **جواب اگر**
 مو بزای و ثلثین غایبند پاکست **مسئله ۱۹۲**
 بعضی میگویند شخص جنب اگر نجاسات غسل زفته باشد
 بتمامی سر بزای فرو برده باشد و از حمام بیرون
 بیاید همان قصد اولی کفایت میکند اگر چه در **حان**
 فرو رفتن بای غافل باشد **جواب** کفایت نمی کند
مسئله ۱۹۳ بعضی میگویند جناب عالی فرمایند فرمود

که در وضو باید بر طوئیت دست راست مخلوط بر طوئیت
 دست چپ نشود بلکه باید بر طوئیت دست راست
 مسح سر و مسح پای راست کشیده شود بر طوئیت دست
 چپ پای چپ با اینکه در مجاهد لبتا میفرماید
 صحیح است مسح نمودن با ب دست راست که از
 دست چپ در کف باقی مانده هر چند خود دست
 راست را بفر و بردن در آب شسته باشد و عمل نال
 هم همین است **جواب** هر اید از روی طوئیت دست راست
 آن روی طوئیت است که از اعمال در وضو بر او است و
 این با مجاهد لبتا و اختلا فی بنیت مبارک آنچه گفته
 شده و آنچه در نجاه العباد است هر اید را تفهیم پیدا
 بل در وضو نیز که اعمال نشد دست راست در غسل
 دست چپ البته باید بدان طوئیت که بر او است
 مسح سر و پای راست نماید و از دست چپ نکند

پسین بعد از فراغ از نشستن دست چپ عود کردن

و بجهت مسح بر طوینت دست چپ نکیر ^{مسئله ۱۹۴}

شخص مصلی حمل بخیر کرده بومثل اینکه در جیش

باشد یاد رکیز خود او بران کرده باشد و در حین

نماز فراموش کرد و نماز خواند و وقت نماز هم تمام

است نماز او صحیح است بانه جواب اسم الله اکبر

لرحیم ورنه نیست صحیح و واجب نبود قضاء اگر

چهار عادت احتیاط اولی است ^{مسئله ۱۹۵} شخص مصلی

لباس او تمام نجس است و بدنش هم نجس است و آب هم

نیست که از آله نجاست از لباس و بدنش نباید چه

روز و یاده روز یا یکسال کنه یا بیشتر باشد و نماز

هم بدیم خوانده است یا نماز او صحیح است بانه جواب

اگر تکلیفش همین بوده صحیح است اعاده وقت ندارد

^{مسئله ۱۹۶} مصلی لباس او نجس است و در جای هم

که کرده است و منحصر است بهمان لباس و وقت نماز
 او هم تنگ شده و نمیتواند هم از تن خود بکند و نماز
 با آن لباس صحیح است **بانه جواب** صحیح است ^{۱۹۸}
 شخص نماز شب میتواند اگر چه در وساعت از شب
 گذشته باشد یا میتواند نماز شفع و وتر هم بخواند
بانه جواب میتواند ^{۱۹۸} **مسئله** شخص از کمر تا
 زانو و بجز آنست و زیر جاذبه او هم محسوس است و
 دسترس بآب هم ندارد و بغیر این دارد که تا غروب
 بآب نمیرسد جایز است بعد از ظهر و نیم کند و نماز
 کند بانه و نمیتواند زیر جامه هم از خود جدا کند
جواب احتیاط در ناخبر است ^{۱۹۹} **مسئله** شخص
 مصلحت داشت که لباس او بجز آنست و در حین
 نماز فهمید و وقت او هم تنگست اگر نماز را بجا
 نماز او قضا میشود بهمان طور نماز بخواند صحیح است

بانه جواب است اگر شروع در نماز و فنی بود که اگر
 منذر میشد تکلیفش همین شروع بود نمازش صحیح
 ظاهر و حال هم که منذر میشد باید مراعات تکلیفش
 را در حال نماز که آیا انداختن آن لباس است و اگر
 سائز عیبت او است برهنه نمائند که فایده است یا بهین طریق
 و همین لباس نماز کردند و اگر شروع در و فنی
 کرده که تکلیفش غیر از این طریق که کرده بوده احوط
 اتمام است و فضا باید بکند و الله تعالى اعلم
فصل اگر شخصی استبراء کرده باشد یک دفعه آب
 بریزد بآب شاداب یا پاکست بانه جواب است
 بر اعتبار تعدد الکفا بیک مرتبه و یا ذاب بریزد مشکلت
 باید بقصد جبرید علی الاحوط **فصل** بلوکی
 بریزد و صاف میکنند و در حین و میخشان در دیار
 کثرت سرخ نکرده در بلوکی و میریزند حرام است یا

حلال جواب حلاست افشاء الله تعالى ما دام که
 علم بجهنم نباشد بجهنم را مگر فکر کمتر اگر چه بواسطه غیاب
 باب یاد کند و اگر علم بجهنم را مگر بجهنم اندک اشکال است
 و احتیاط کند باز رجوع بغير نماید ^{۲۰۲} مسئله هرگاه
 بدن شخص بالباس شر نجس بود بنجاستی که معفو است
 در صلوٰه و در جهن شروع در نماز یاد را نشاء نماز
 شک دارد که آیا از حد معفو خارج شده است یا نه
 مثل اینکه کمتر از در هم بود شک دارد که آیا زیاد
 از آن مقدار شده است یا نه نجس نموده لازم است
 یا نه بر فرض عدم لزوم هرگاه بعد از نماز معلوم شد
 که از آن مقدار معفو خارج شده است نمازش صحیح است
 یا نه جواب نجس لازم نیست و بعد از نماز هم اگر
 معلوم بشود خروج از آن مقدار نمازش صحیح است
^{۲۰۳} مسئله اگر کسی نذر کند که در غاشق و یا غدا

محرّم و صفر الباس سپاه پوشد با نذر شر چهره
دارد جواب بعد نیست انقدار ^{۲۰۴}مسئله

حاکم هرگاه مالیات دیوانی مثلا بفک صد تومان

امانت بگذارد در نزد شخصی یک شب یا دو شب و آن

شخص امین جاهل بود و قبول نمود بعد امانت گذارد ^{ند}

گرفت آیا آن شخص امین ضامن سپا شد یا نه و بر فرض

ضامن بودن بچه قسم خود را خلاص نماید **جواب**

بلی ظاهر آن امر است و باید خود را خلاص نماید و

رجوع با امانت گذار مینماید و در مسئله رجوع بغير

نمایند ^{۲۰۵}مسئله مقدّمه حرام حرام است یا نه

مثل آنکه شخص طلبه علم یا ظنّ متاخر علم دارد که اگر

تا نصف شب مثلا بنشیند و مطالعه نماید نماز

صبح فضا میشود **جواب** در مثال مزبور احتیاط

نمایند و اصل مسئله اصولیه است مثال ^شمثال دیگر

نیت **سُئِلَ** هرگاه شخص در حال مرض بگوید

بهاضرت که ثلاث مال مرا بعد از موت من در فلان مصرف

خرج نماید و تعیین وصی ننمود آیا وصیتش نافذ است

پایان و بر فرضیکه فائده داشته باشد که باید بود

علامه باید **جواب** هر که خطاب نموده بعمل آورد **۲۰۷**

هرگاه پدر زن عقد کند از برای پسر صغیر و متوفی

شوهر و مالی نداشته باشد آیا مهر بر پدر راست است یا نه

جواب بلی مهر بر پدر راست و تمام آنرا باید بدهد

سُئِلَ اجرت گرفتن در عقد جایز است یا نه

جواب بلی جایز است **سُئِلَ** هرگاه کسی بعد

از دخول وقت فریضه و قبل از ایشان بفریضه زیارت

خواند میتواند نماز زیارت بخواند یا نه و گذاشتن

نمازهای مستحبی **جواب** منع نمیکند لکن خلاف

احتیاط است **سُئِلَ** در بلاد عجم که سر قلیات

بقدر چهار انگشت نقره میگیرند استعمال این چه حکم
 دارد **جواب** خوب است احتیاط نمایند ^{۲۱۱} **مسئله**
 نماز مسلم اگر بکفر پیش از اذان و رکعت ششم بپوشاند
 یا نه **جواب** منع نمیکند و مضایقه ندارند لکن قوی
 نمیدهم رجوع بغیر نمایند ^{۲۱۲} **مسئله** شخص پاره
 داد بر نکرز بعد معلوم شد که بنیل غصبی رنگ شده است
 آیا نماز خواندن با آن پاره چه حکم دارد **جواب**
 بدون اذن صاحب بنیل با بقاء عین بنیل و عدم جریا
 حکم تلف بر او مشکوک است ^{۲۱۳} **مسئله** هرگاه شخصی
 از درخت غیر پریده بدن اذن صاحب آن و بدوخت
 خود پیوندد نمود یا در ملک خود غرس نمود آیا آن پیوندد
 و درخت غرس شده چه حکم دارد **جواب** ظاهر
 اینست که غصب است و احکام غصب بر آن جاریست
^{۲۱۴} **مسئله** هرگاه شخصی از حلیله خود پاره شوخیا

واختلافها توقع نماید و او از باب شرم و سستی یا
 غلبه نوم از امر او بجا و زنیاید اما است پانته ^و
 بر زن واجب است اطاعت شوهر از هر گونه استثنای
 که شرعاً جایز است مگر عند شرعی داشته باشد ^{لکن}
 شریک هم باید عاقل باشد همه وقت و وقت همه کار ^{نمیست}
 مسئله ۲۱۵ ^۱ اگر از قبل منکون و بیکل شده است و
 ایجاب بر او واقع سازد و از قبل خودش دیگر بر او بیکل
 نماید که قبول نماید جایز است پانته جواب
 معلوم نیست که مانع داشته باشد مسئله ۲۱۶
 زید نامی از بلد بعید می آید از جانب زید با عمرو
 مثلا و ویکست که اجراء صیغه عقد نماید پانته
 این عقد صحیح است پانته باطل و بر فرض صحت این عقد
 فضول است و موقوف بر اجازه است پانته کالتی
 و حال آنکه و کالت ثابت نمیشود مگر بشهادت ^{لین}

جواب احوط اجازه است ^{۲۱۷} **سؤال** پند از جالب
 صغیره میتواند مهر را بخیشد و طلاق بیکه بپایان
 جواب با رعایت مصلحت میتواند و محتمل است
 کفایت عدم عقد ^{۲۱۸} **سؤال** طفل نابالغ اگر مثلاً
 بکوفتند و طی کند چه حکم دارد **جواب** ظاهر
 فرقی بین ابالغ و نابالغ نباشد ^{۲۱۹} **سؤال** ضعیفه
 باکره قبل از دخول معلوم شد که او هلش عند العقد
 عقد صحیح است یا نه **جواب** حکم فصولی دارد اگر
 مکره بوده است ^{۲۲۰} **سؤال** دلائل کبرک
 میزنند دست ضعیفه اجنبیه را جایز است یا نه
جواب در حال ضرورت بمقدار ضرورت جایز است
^{۲۲۱} **سؤال** هرگاه پد زنی عقد کند از برای پیش
 خود و مهر را بر زن صغیره قرار دهد و صغیره متوفی
 بشود در باب مهر حکم الله چیست **جواب** اگر پسر

مالک چیزی بوده است در حق موت باید مهر از مال
 او داده بشود و الا بدمه پدر منتقل نمیشود ^{۲۲۲}
 اینکه زیاده از کتب باشد و کمتر هم نباشد انسان یا
 کلبه زان بول نماید یا خون یا نجاست دیگر در آن
 بریزد که فدیای زانرا بخرید یا اگر نجس میشود
 جواب در جمیع صور نجس میشود ^{۲۲۳} مسئله شخصی
 که بسفر میرود بجهت زیارت لابد حیوان سوار خود را
 از بت میکند و بغیر دارد که در عرض راه بعضی
 مقاصی مرتکب خواهد شد یا میداند که نقصان
 بنمازش میرسد مثل اینکه کاهی یا لباس نجس بپوشد
 نجس باید نماز کند یا آنکه بیوضو نماز بخواند یا چنین
 سفر جایز و مباح است یا نه جواب هرگاه سفر
 بطریق متعارف باشد جایز است و از بت حیوان
 بقدر ضرورت ندارد ^{۲۲۴} مسئله خنجر نمودن ^{۲۲۵}

از برای محتج بانه جواب بلی شرط ^{۲۲۵} مسئله
 تکرار در مسیح چه حکم دارد جواب تکرار در مسیح
 نیست بلی هرگاه بحجت اینکه یقین نماید تکرار نماید
 ضرر ندارد و لکن مراعات نماید که دفعه ثانیه که
 بحجت تحصیل یقین مسیح میکند بر طوطی دست ^{بشاید}
 نه بر طوطی پشت یا ^{۲۲۶} مسئله هرگاه شخصی در حال
 رکوع یا سجده قصدش ذکر کبری بود در چنین کفشتن
 سبحان قصدش بر کشت بند کمر صغری یا میخواند همین
 سبحان را یا انضمام الله یکی از سه کفر قرار دهد بانه
 جواب مشکل است ^{۲۲۷} مسئله در دهانات که
 منحصر است صحیح القرائه بدو سه نفر مثلا و باقی قرآن
 خود را درست ندارند یا نماز ببله الدفن میتوانند
 بکنند بانه جواب غمخیز و اند چنین کسان باید
 بواجبات خود بپردازند ^{۲۲۸} مسئله هرگاه شخصی

مذنی مشغول بفماز قضا بود بعد از آن ترک نمود جان را
قضا دارد نمیدانند سابق از چه نمازی قطع و ترک نموده است
چکند **جواب** حیوان نماز از یکشنبه روز و هر یک از
بنیابیاورد و بعد از نوبتی که داشته است مشغول شود
^{۲۲۹} **مسئله** حیوان اگر از آن مثل گاو و گوسفند و
که حیوانها بخر شده باشد هرگاه در شبانه روز مرده
خشت بشوند و آب گریه جاری در جوف آنها نفوذ
نماید طاهر میشود بانه **جواب** ای طاهر میشود ^{۲۳۰}
هرگاه حیوان انسانی را با حیوان دیگر بکشد یا با
حکم الله چیست **جواب** ظاهر اینست که هرگاه
مالک حیوان در محافظت حیوان نقص کرده باشد
باید بپوشه مقتول بدهد و حیوان را بدهد و هرگاه نقص
نکرد و نباشد بر او چیزی نیست ^{۲۳۱} **مسئله** مقتول
هرگاه مشغول شستن دست چپ بود برخواست ^{مثلاً}

ده قدم باز پاره رفت بجهت که نیکه کند بجائی چه

حکم دارد **جواب** وضو عیب ندارد لکن فصل

طریقه هم نشود چون منابعت هم لازم است علی الاطلاق

گرچه ترکش ضرر بوضو ندارد مادام که جفاف در سابق

حاصل نشده باشد ^{۲۳۲} **مسئله** هرگاه شخصی فصل

الصالحین را غلط بگوید یا لازم است از منابعت بگذرد

بانه **جواب** اگر موالات بهم نخورد ماست همانرا

اعاده نماید ^{۲۳۳} **مسئله** هرگاه شخصی نماز ظهر و عصر را

مجاورد بعد پیشین نمود که یکی از این دو نماز در آن

رکعتی سه لازم داده است تکلیف چیست **جواب**

ظاهر اینست که اگر یک نماز چهار رکعتی مجاب آورد

بفصل ما فی الذمه کافی باشد اگر منافی بعمل آمده

باشد که عدا و سهوا منافی است ^{۲۳۴} **مسئله** هرگاه

کسی در رکعت سیم در حال قیام پیش کند که سجده

از او فوت شده و شك كند كه اباد و سجد از بگر
 فوت شده يا از دو ركعت چكند **جواب** اگر جنبه
 نمايد باینكه قيام راهد نمايد و ایشان بجدن نما
 و نماز را تمام كند و قضاء بکجد را بعمل آورد با ایشان
 بد و سجد سهواً برای احتمال آنكه شاید احکام التجدید
 از ركعت اولی باشد پس از آن نماز را اعاده كند بر می
 الذمه است ^{۲۳۵} **مسئله** شخصی دارد كه تنهائی كفا
 از وضو و غسل نمیکند لکن هرگاه شیء مضافی داخل نما
 در آن آب بر وجهه که از اطلاق بیرون نرود کفایت
 احدهما میکند یا واجبست یا نه و هرگاه داخل نمود
 علقه چه حکم دارد **جواب** بله داخل نماید علی الاصح
 و اگر ترك نمود و تیمم نمود اعاده نماید خوبست بلکه
 بعد نیست که افعول باشد ^{۲۳۶} **مسئله** هرگاه کوچی
 سر بسته باشد و در خانه زید در ابتداء کوچی باشد

و در خانه عمر و در وسط کوچه با عمر و میبایست بدو
 اندن زید خاشاک و خاک روی خود داد و محاذی در خا^{نه}
 خود و پانین ثوابا بالا نر بریزد و بر دارد پاننه جوی^{اب}
 احوط بلکه اظهار نیست که بکن اندن صریح زید با^{شد}
 حال برضای او نکند و در این مسئله اشکال بسیار است
 مشهور بین علماء اینست که اقل کوچه که داخل میشوند
 مال زید و عمر و است بالمشار که تا بد خانه زید و
 اندر خانه زید مال عمر و است تا بد خانه عمر و از
 در خانه عمر و که گذشت آن زبانی که در آخر کوچه
 است مشترک بین اهر و و قول دیگر این^{است}
 که هر دو در مجموع شریکند و مسئله

محتاج بمامل است

مسئله در جواب سؤال از فتوای غیره

اینچه نوشته بود بدو از مرتب عفا سد بر حال انسان از

این
 مسئله
 شخص
 از فتوای
 مرتب
 زبانی
 که در آخر
 کوچه
 است
 مشترک
 بین
 اهر و
 و قول
 دیگر این
 است
 که هر دو
 در مجموع
 شریکند
 و مسئله

بلا در کفر بحر و سیه این صافها الله تعالی عز و جواد شرف
صواب و همت ملتفت باها و اضعاف آن که فایده خرا^ب
دین و دنیای مسلمین است بویه ام و از اقدام شمار
فیه دفع اها که باید از محضر عزت دین و خیر خواهی^{مسلمین}
باشد ز پاده مسرود شدم و البته هر وسیله که ممکن
باشد دفع این فاسد باید بشود در اعصار مکرر
و ملک در بکمل مستقر بود چون زمان خضر خنی مآب
صلی الله علیه و آله وسلم تکلیف سیاست در این قسم
از امور عامه در عهد همان شخص معظم بود و حال که
باقضای حکمهای الهیه جل ذکره هر یک در محلی است
در عهد هر دو است که با عانت یکدیگر در پیرو^ن
عباد را حراست کرده بیضه اسلام را در غیبت و
عصر تجل الله تعالی فرجید و صلی الله علیه و آله علی ابائنا الطاه^{رین}
محافظت نمایند و باین امد و کونهای از یکا^ر میروند

و رعیت با مثال این بلادها میباشند و میشوند و چونکه از
 ملت جز گفتن و مخیر بر و مخوف و همدند امری دیگر
 بر نماید و اتقاز و اجراء باد و لست تا از دولت
 کمال همراهی را بنهند اقدام نمیشوند نمود و اگر بپند
 بنکلیف لازم خود اقدام دارد و در صلبه و نماند
 از عهد ان کما یبغی میباشند البته ملت آنچه بر او و شایسته
 از او است خواهد کرد و چگونه نکند که خود را از جانب
 و لایعصر تعجل الله فرجه منصوب بر این امر و حافظ دبر و
 دنیای دعا پای ان جناب مسئول از حال ایشان میداند
 و باید تمام مجهود خود را در نگاهداری آنها مبذول
 دارد و آنچه در این مقام موثر در تکلیف است غیر از احکام
 کلیه است که ان وظیفه عالم است لا غیر و غیر از موضوعات
 شخصی مثل نجاست چیز خاص و حرمتان که اندر عالم
 عامی و مجتهد و مقلد و ان یکسانند که هر یکی از

مکلفین اگر علی با طرفی دارد بان عمل میکنند و اگرند
 و نزد او داخل در مشبه است که شارع مقدس حکم
 انرا در مقام عمل و نه امارت و حکایت مقرر فرموده و لکن
 عجب است از اقبال طباع در خوردن مثل قند مجلو
 از آن حکایت باشد بوسع اینهمه اخبار چنانچه اینجانب محض
 استماع این فذارات بالطبع منتظر و از خوردن آن
 محالست میکنند انشاء الله تعالی بلکه مورد مذکور^ب
 سیاسات و مضامع عامه است و تکلیف در این^ب
 عهد بر ذواتی است که از علم این است که تا خرم حکم
 میرسد دفع احتیاج خلق باشد بمقتضای^ب
 ما بمحتاج آنها چه در جماعت ترک امور یکدیگر در از منتهی^ب
 عادت شده از اهل این زمان نیست و منع فرمایند
 خود و عیال از غیر آن بلکه منع از ادخار در ملل^ب
 نماید و بر این تقدیر انشاء الله تعالی آنچه تکلیف^ب

در مقام پیشرفت این امر از بیان و اعلان و بخوان کونیا
 نخواهد شد بحول الله تعالی و تقوی و تسبیح الله تعالی عز و جل
 الدین و نصر المؤمنین و قطع دابر المفسدین ادام الله
 توفیقکم و التمام علیکم و رحمة الله وبرکاته **سؤال**
 شخصی میگوید که من ساخته چند قطعه زمین و فکری از
 بهشت موقوفه که خانه و دکان بستاند و چند قطعه از آنها
 خانه و دکان بنا کرده است و خانه و دکان تمام است و و
 مرحوم شده است و در جهنم خود شریعتی هم قرار داده
 و چند قطعه از آن زمینها با پولم بزرع است چیزی عاید
 نمیشود از آنها بجهت موقوفه و آنها را که تمام است خراب
 میشود یا منو می شود و آنرا از زمین مذکور که بزرع است
 بفروشد و پولش را صرف تمام شدن آن تمامها کند که
 بطلان و بضرار و موقوفه چیزی عاید شود **جواب**
 بعد نیست اگر منفعتی نداشته باشد و الله تعالی العالم

سؤال اللحم الذي يدل الشايش في موضع المسح داخل في حكم
 المسح وان ندلى عن العضو المسحوق او لا يجوز ان يخرج عن
 حد الوضوء لا يخرج في المسح عليه **سؤال** ٢٣٠ ان كسى مضاحك
 بازبك وفرار دار كه ناده سال اختيار في مضاحك باو
 باشد و سال فوش شدا با وارث ميتواند في
 مضاحك نمايد بانه جواب حق بخار بارث ميتواند
 با صلا ف و لكذا شنه شده باشد **السؤال** ٢٣١ من الميت
 بر اعني ثريب احكامه كونه مجزئ شمله الجوف ما ساو مسا
 اول ابل حكم ما لا شمله الجوف حكم ما شمله مطلقا وفي الجملة
 الجوارح الا حوط ان لم نقل افوق ثريب الاحكام مطلقا
 اذا صدق المتر **السؤال** ٢٣٢ حكم بدانة النجم عن الوضوء
 والغسل هل يختص بالرافع للحد منها او يتم غيره ايضا
 او في الجملة الجوارح لا يبعد الاختصاص وان يتم
 رجاء لا باسراف شاء الله تعالى **السؤال** ٢٣٣ اذا

سأله را

في النجم

في شتم المعجر عنه بضربا ثانيا بكتبه ام بكتب المنوب عنه

الجواب المنع من مع التمكن كتب المنوب عنه الا في

السؤال ٢٣٤ ايه شير كون ما يثم بترابا او يكفى فيه

مضى الارض ثم يجب غايبة العلوف فيهم بند الجواب

الاعوط اوقات الترتيب لا يغير العلوف السؤال ٢٣٥

غير العبد الواحد يكفى في الحكم بالنجاسة الجواب

الاعوط ذلك السؤال ٢٣٦ اخبار صاحب اليد

بالنجاسة كاف في الحكم بها وان كان غاصبا او غير مسلم

ام لا الجواب الظاهر الكفاية السؤال ٢٣٧ الظن

بنجاسة المجدع مرغبا له التمام يقول عليه في الحكم بنجاسته

ام لا بل هو كغيره من شاير الظنون التي لا تغوبل عليها

الجواب لا يقول عليه ان كان الاعوط الاجناسا

لوشك في سلب الاطلاق بما زجه الماء بظاهر فهل

يحكم ببقائه مطلقا وان كان مع احتمال غلبة المنة بقاء

اسم اول لا يجمع لا يبعد الحكم بالأطلاق من ٢٣٩ الماء

المعصم بالمادة هل يظهر مجرد زوال الغيرة عنه اولاً بل

لا بد في التكميل بغيره من زوال الغيرة بشدافع الماء الخارج

من المادة وانما راجع من الجوارح لا بد من التدافع والابتعاد

السؤال ٢٥ زواله من الخامسة عن الحيوان الصائت

مظهر لحملها ولا الجوارح لا يبعد ذلك ولكن الاحتياط

مراعات احتمال ضابطة الظاهر السؤال ٢٥ اذ اجب

بل الكف فهل يجوز الاخذ من مشرب اللبنة للمسحام لا

يجوز اب الا هو بل لا يفتى بعدم السؤال ٢٥ في

وضوء الجنازة اذا ارتفع العذر قبل الانمام او بعده فهل

يجب الاستيناف واعادة الوضوء وعليه فان كان

ارتفاع العذر بعد الدخول في الصلوة وقبل انمامها

فالحكم ايضا كذلك ولا يجب الاعادة هنا مطلقا او

تخصيص هذه الصلوة المدخول عنها واما غيرها فالاعادة

لها راجحه **ج** اما قبل ان تدخل في بطنه بعد احتاج
 الى التامل **س ۲۵۳** شخصی فوت شده است وصیت
 کرده است که دو دانگ خانه ثلث خودم هست میراث
 از اولاد من بنیابت من مگر وقت آن دو دانگ مال
 او باشد و بخط و مهر خودش بنها کفایت هست یا نه
 ثانیاً فند کرده در آن وصیت نامه که اگر از اولادها
 فرقه اند فلان شخص وصتی مکتب که آن دو دانگ را
 بفروشد بمجست او بنیابت صحیح بگیرد و بعد از فوت او آن
 وصتی میتوانند رد و صیابت بکنند یا خیر و یا امضا و
 لازم هست یا خیر اگر از اولادها او بروند **جواب**
 اگر وصیت صحیح است باید عمل شود بر طبق آن اگر اولاد
 اولاد وقتند فیما والا وصتی باید بفروشد و نایب
 بگیرد و رد نمیتواند نماید بعد از آنکه قبول کرده باشد
 یا مطلع شده باشد بر وصیت بعد از وفات و امضا

ورثه ضرور نیست والله تعالى العالم سور ۲۵۴ چه
 میفرماید در خصوص شخصی که در حال چنان خود و جهتی
 اصل مال خود تعیین کرده بجهت صوم و صلوة بعد و ثلث
 بثلث کرده و مصاف ثلث را هم تعیین کرده بعد از ثلث
 او و رثه اجازه و اذن ندادند و ثلث آن وجه معین را
 صوم و صلوة دادند و و ثلث دیگر را و رثه بردند آیا
 میتوانند وقتی بقیه صوم و صلوة را از ثلث ^{شد} بقیه
 بانه جواب عدم اجازه و رثه در زاید بر ثلث ^{عدم} سبب
 نفوذ وصایای خیره است که با ملاحظه وجه معین
 صلوة و صوم از ثلث زیادتر شده بنا بر این و ثلث
 از وجه معین را که و رثه برده اند از ایشان باید گرفت
 و معادل آن از ثلث معین شده بایشان داد والله
 تعالى العالم السور ۲۵۵ امیر فی حکم بطهران
 الرطوبة الباقية على المصنول بعد انقضاء الماء الغشائي

ان تكون بحيث لا تنفصل عنه مع عصر وثقوة ام لا بل
 يكفي في الحكم بالطهارة انقطاع النجاسة عن المفسول
 على حسب المتعارفين وان كانت الرطوبة المتخلفة على
 المفسول قابلة للانقطاع ايضا **ج** لا يعتبر **سورة ٢٥٤**
 المباشر للعصر في نزع البتر ونفسيل الميت فظهر ثبابة
 بدنه بالبيعة من النجاسة العارضة بالمباشرة ام لا **ج**
 في اثبات البدن غير الاعضاء الذي يباشرها الغسل
 والنزع اشكال **سورة ٢٥٧** يتم الميت عند فقد الماء مطهر
 في جميع الاحكام ام لا وعلى الاول فكل يعود النجاسة
 بوجود الماء ووقت الغسل باق ام لا **الجواب**
 لا ترتب الاحكام **السؤال ٢٥٨** غيبة لاذن
 مطهرة له مطلقا ومع العلم بالنجاسة وخال الظاهر
الجواب الاحوط اضافة صدق غسل منه لا ياتي به الا
 مع الطهارة **سورة ٢٥٩** العصى يرفع فيه النواة والحناء

بعد غلبته أو قبله فيغني مصاحباً لها ثم ليس به بل هو كذا
 هو كذلك هو منجبر حينئذ اذ اظهر الجواب الظاهر
 طهارة امثال ذلك من ٢٤٦ المتولد من كافرين بالزنا
 من الطرفين اظهر هو ام منجبر وعلى الثاني فالمتولد من مسلم
 وكافرة او كافر ومسلم كذلك هو كذلك ام هذا طاهر
 وان قلنا بنجاسة الاول الجواب لا يبعد الحكم بالطهارة
 وان كان في اصل ولد الزنا مطلقاً فقول بالنجاسة
 السؤال ٢٤٦ لو اخرج الماء والنجاسة الواقعة
 فيه بظاهر موافقها في الصفات وعلم ان النجاسة الممانعة
 لتقل بتغير الماء لولا مانعة الموافقة من ظهوره
 في الماء فهل يحكم بطهارة الماء مع او بنجاسته
 في النجاسة الخالصة عن الصفة لا ينفع التفتير وفي غيره
 لا يبعد ذلك على اشكال في بعض الصور من ٢٤٢
 صدق الوحدة كاف في عصمة الكروان مخالفت سطوح

الماء أو لا يتد من شأوى سطوحه في المصنوع جمع يكفي

س ٢٦٣ الكثر بحسب المساحة ما يحصل من نكبة ثلثه

اشبار في كل من الطول والعرض والعمق والحاصل من

ذلك مع اضافة النصف الى كل من الابعاد الثلاثة الجواب

بضاف النصف ولا يترك الاحتياط ايضا س ٢٦٤

الماء المعصم بالمادة اذا انجس بالغير فهل يظهر نجس

زوال الغير عنه حال اتصاله بالمادة او لا الجواب

نصفه الجواب السؤال ٢٦٥ ان رفع الحد بفسالة

النجس والنجس بماء الاستنجاء ام لا الجواب لا

عدم الاجزاء ولا يترك الاحتياط في محله السؤال ٢٦٦

اذا صب الماء على العضو غير المتوضئ فاجزبه المتوضئ عليه

مع نيته الفصل به لا بانصبه بل بوجبه ذلك خلافا

لظاهره ان لا يضر بالوضوء ان يفسده ولكن كره او حرم

السؤال ٢٦٧ اذا مكلف في غسل الوجه بالا على ثم

نكس في الإشاء فإني يجب لك وإن كان بغير إقرار أو
 عليه فالمدار في غسل الأعلى فالأعلى على غسل كل جزء هو
 عال بالنسبة إلى ما يشتمل من الأجزاء الساقلة عنه ^{فيلما}
 وهكذا ولا بد وإن لا تقع غسل شيء من الأجزاء الساقلة
 قبل شيء من الأجزاء العالقة مطلقا وإن لم يكن متاشبه
 وحكم الفصل عرضا حكمه منكموسا **الم جواب الظاهر**
 الأجزاء بما يتحقق منه الفصل من الأعلى إلى الأسفل عرفا
 من دون تدقيق سواء في ذلك كانت أمث وعنه ولا يبال
 بالعل عرضا **السؤال ٢٦٨** مع التماس والهمة بالمعنى
 متختم ويجوز ذلك فيهما واحدهما بالبشر **الجواب**
الأول السؤال ٢٦٩ إذا كان على القدم
 في محل المسح شرف مانع من إيصال اليد إلى البشرة فهل
 استيطانه **ج** الأول لو لم يكن في اليد الاستيطان
من ٢٧٠ أو شئت لمكلف في وجهه خارج الأعضاء

وضوءنا نفع من ابطال الماء الى البحر او ما يوجد في

الشك في حاجته فهل يحجب عنه البحث لوميدني على التمسك

لا يبعد الا كفء بالشئ ما كان مسبوقا ^{حب} انما

وأما الشك في الحاجة مع العلم بالوجوب فلا بد من العلم

٢٧١ الشجر الخفيف المنابت في الوجهة محبة في فصل

اولا بتد مع ذلك من غسل ما تحته مع ج لا بتد من

الفصل مع عدم الأحاطة من ٢٧٢ الشركات والشركات

الفرانجه كحرفه في شرط محبتها بالنظرارة اولاً وثلي

الثاني المتوالف الشديد منه او كما الاول وهو الهري

الاشترط في اسم الله وصفاته الخاصة واسماء الانبياء

والأولياء أو لا تم الحكم في الألفاظ المشبهة بذكره وقصد

الكاتب واللامس على الاول في الحكم في مجمل القصد

المعلوم ان ناسا لا عن قصد بان كار بجهت كذا و كذا

مع الذم هول عند ترسبته من فتنه الحكيم في الدنيا

۱
۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهم

卷之六

بسم الله الرحمن الرحيم

مشرقا

الحق

فصل فی بیان احوال

المؤمنين

...

بعد از این

حدیث

1

△

...

المذبح

10

بر

فوق

في غير ذلك

المعجم

كونها منقطعة وغير منقطعة وفي المرسومين كونها
 على الجسد مكنوياً على غيره أو لا بل الحكم في لكل واحد
 ما لا تحله الحيوة فشارك غيره في المنع مطلقاً أو لا مط
 وهناك تفصيل السؤال ٢٧٣ في غسل الأذن
 زمان التيمم مفارقت زمان الاشتغال ولو صولاً ولو
 جبراً من البذل إلى الماء أجب من الإحوط الجمع س ٢٧٤
 يغسل السوء في الغسل بعد انقضاء الشق الأيمن ويبدأ
 في غسلها بشقها الأيمن أم لا بل يكفي غسلها مع الجانب
 بآتي كيفية كانت الجواب كلاهما جائز س ٢٧٥
 يجوز مثل الجنب والحائض والاجنبان في الرقعات المقدسة
 أم لا الجواب أشكال س ٢٧٦ أجب على المنسل
 أن يغسل أولاً النجاسة عن جميع جسده ثم يشرع بالغسل
 طاهر الجسد أو يكفي غسل النجاسة عن المحل الذي يريد
 اجزاء ماء النفس عليه شيء على محل طاهر وإن كان

الجواب
 بسم الله الرحمن
 الرحيم الظاهر
 المسمى
 الجواب
 بسم الله الرحمن
 الرحيم الظاهر
 فلا يمنع من
 المترجماً

فبحاج لا يجب الا يظهر ما يحاول غسله من

هل يجزئ المسلمون في كل صلاة وضوء وحل

وان فاجتها الحادث في الاثناء او لا بد حينئذ من الظهور

والسواء على ما فات وهل يجب عليهما مخري زمان خفة

المحدث كما يجب عليهما انتظار زمان الفترة اولاً

الاحوط الجمع بان يصلي صلاة بوضوء واخرى بالظهر

السواء متى ما عرض في الاثناء والاحوط مخري زمان

الفترة **السؤال ٢٧٨** هل يكفي الغسل مرة في الاستنجا

من البول **الجواب** الاحوط عدم الاجزاء في البول

السؤال ٢٧٩ في الاستنجاء بالاحجار والخرق وما

ماثلها يكفي مراعات الجهات في الماسح او لا بد من قطع

ثلاث منصالات **الجواب** لا بد من الثلث **٢٨٠**

يجوز للمكلف وضوء النقبه مع تمكنه من الخروج عن محلها

والوضوء في الخارج ام لا **الجواب** لا امر عند الوجوب

اینکه که گاه برده اند اینست حکم ۵ هفت که مراد نشنیده علی مراد نرسد

۱۱۷

البر
سیر

وَأَكْبَانُ بِحَسَبِ الْمَنَافِعِ سَوَالُ ۲۸۱ چه صیغه می آید
پول منفعت دادن در صورتیکه صیغه نتوانند جواب
ربا حرام است چه صیغه خوانده شود و چه نشود و اگر
ندیشیر بکنند که در بایب باشد باید ملاحظه نمود که در
شأنهست متذکران هر کس است کند سَوَالُ ۲۸۲
عزیز جنبه از منم پاکست یا منجر جواب رجوع بقیه می آید
و لا اقل نماز در آن نکند سَوَالُ ۲۸۳ خرید و فروش
در مسجد و محفل قبول نموده علیهم السلام جایز است یا
حرام است جواب اب حرام نباشد و باید چیزی که منافی
اینهاست نباشد سَوَالُ ۲۸۴ نشسته بغیر مذهب از
باب لباس چهار کشتی و غیره نشسته است و بدست
یا خبر جواب در حدیث است که لا تلبسوا ملا بر اعدائکم
و لا تطعموا مطاعم اعدائکم و لا تسلكوا مسلك اعدائکم
فتكونوا اعدائکم کما هم اعدائکم لکن شرح این مطلب است

دارد

نمود که حال چهار نیست سوال ۲۱۰ مذکور و خارج

مذهب نمودن چه صورت دارد جواب هر چه بود

ضرر نکند سوال ۲۱۱ کسی که در وقت نماز

بذکره اش باشد بتواند و زده و نماز مستحبی بکند

جواب در نماز منع نمیکند و مضایقه ندارد سوال ۲۱۲

آنجا که ایستادن به بدید و غلغله خود تلک که رجوع

نمیکند و چند مسئله جواب نماز که اخطا

شده یا قوی نبوده مضایقه نیست سوال ۲۱۳ از جمله

مضار ف و ف با وصیت سهمی نیست فطره و اوصاف ^{معدن}

مثلاً بقا صلح بجاهل اگر حرام بجا فایده حاضر وقت

دو هزار دینار بجا چنانچه با تسویه بخاطرین و غایب ^{بهر}

فهمت متوالا به دفع نفیض از قبایل و فف با ثلث منفذ

بعضی حاضرین میتوان داد چنانچه مضامین و حدیث و فقه

است با خبر چنانچه است سوال ۲۱۴ است که شده اند

از حدیث نوفل روایت دیگر هم هست در باب وصیت
 که خالی از دلالت نیست **ص ۲۸۹** مالک و فقه اولاد
 بود معذرتی صفات لامعین انفسهم عنونه هر کس
 خود را فریخته و پولش را خرج کرده یکی از آن طبقه اولاد
 سر هم خود را بخون میزند که مالک و فقه با جاره کرد
 و فروخته و جهرش را ملکی باید بکشد ممکن نشد الا فر
 قال فریضه صلیت نموده که ورنه او بکشد ممکن نشد
 بان وجه جزئی مالکی که نه دفع توان شد با اگر ملکی که
 شود داخل جزئی هم بر سایر غنی حواصی باشند با
 تکلیف را بیان فرمائید که ملاصق به هم است و با
 نمیدانم چگونه بخون کرده اند مسلوب المنفعه بودند با
 با جاره بر نقد بر صحت ایستاد چون انفسهم بوجه اگر
 دخلی هم رسیده باشد بکند علی الظاهر **ص ۲۹** نویسنده
 ملکت و فقه بعد از منوی خاص با اعلم و انقای الملک بلد

معلوم است یا مختص بعد از منوالی خاص است که بعد از
 آن طبقه با اولی عام است چه از بلد یا غیر یا خبر و هر ^ن زمان
 اعلم و انقی یا بد و ملحق یا بشود و تعیین علم و انقی در غایت
 اشکال است در زمانی بعد زمانی یا با معرفتی در بلد و
 نزد عوام و بعضی از خواص که غایت میکند یا خبر تکلیف
 مختص رجوع بخبر است و اهم غایت و چنین قرار داد
 چنانچه نافع و اختلاف در اعطیت باشد با عالم
 متقی است که فرع شرعی برآمد عالم متقی در بلد یا
 است تکلیف را بدان فرماید یا عالم متقی از افراد
 اعلم و انقی است **جواب** علم در هر زمان بعد
 نیست از افراد اعلم و انقی باشد **سؤال ۲۹۱**
 ملك جزئی از املاك ثلاث در تصرف شخصی است یا فی
 املاك او و ثمره فروخته بغیر موصی صرف کردند
 شخص خارج منافع ملك را بجمع نمود بن سال نکذاشته که

و در نه بقیه مضرب برسانند و این شخص هم این منافع را بآباد
 حاکم شرعی نخواهد داد و مصاف موصی صرف نماید که
 باید تثلیث نماید هر ثلثی مضرب مخصوص دارد که از وجه
 وفای کند حسب الله تعالی محافظت نموده تا وقتی اهل
 از و در نه هر سه تسلیم او شود یا با مسئولان از یکسایم ملحق
 و بمصرف آن صرف شود باز حاکم شرعی و بمضرب غیر محل
 لازم نشده بین المحدثین است علامتی لازم است
 بعد نیست جواز تصرف در یکسایم بملا خله مرتجی و جواز
 بقرنه در تعیین بعد نیست والله تعالی العالم (۲۹۲)
 ملکی و فقی و اولاد بود و بقاصد چند طبقه اولاد فرزند
 اند در آخر یک نفر از اولاد او و الا سلام خود را نتوانست
 نکاه دارد و فرزند فوت شده شخصی را وقتی نموده
 آن شخص وقتی علم بوفت و فروزش دارد احتمال حمل فصل
 مسلم بر صحت شاید بچگونگی فروخته بوجه جواز نکاح

وصی و قیمت آن مگر از جمله فروض باید موضوع نما
 بعد اخراج ثلث کند یا خیر ایاقینت اخراج کند
 او را در دیگر بدهد که خواهد خرج کرد و ملک دیگر
 که وقت کند نخواهد کرد یا تکلیف وصی است با اطلا
 حاکم شرع بجزر طیفه اولاد که فروخته سهم خود را منفر
 د و بلا دورتره قیمت از طیفه اولاد نیست و میگو
 منال در قیمت تکلیف وصی را میان فرمایند
 بپند نیست که از جمله فروض و موضوع شود با اطلا
 حاکم بجزر سؤال ۲۹۳ دو نفر وصی شدند
 یکی از وصیها وجهی بعنوان قرض برداشته حال
 بمذهب خود و جوهرها برداشته وصی دیگر او را در
 عمل خائن میداند آیا اعان دهد بر موصی بدون آنکه
 وصی نماید صحیح است یا لا بد از آن بپس خائن اولاد است
 غنا بد جواب بر عمل بر خائن از آنکه من کرانیا

جای این اعتقاد هست یا نه خود را بنده حاکم بترکمی را
 بعین نمایی باطل و مایه شر و عیب نماید (۲۹۴)
 شیخ از مستحقین زکوة و در نظام ارباب سلطان
 مؤثقت است و انشاء در تر که بخوبی مالت است خوف
 القاسر و در آن جمع میشود و این شخص استناد خوف
 مسلمین که به حق الما الکست بعنوان صدقه از ایشان
 بکس و بجای است یا غیر یعنی میگویند خبری است
 بانندیدیم الکبر یا احراز لازم است جوی طلب
 یا آن حاکم شرع خویش است سؤال الله و حق و نظر
 منصوب قوت شدند ما که بعین بلند براسر یا پدید
 یا شخص بانند ما که تعرف در ثلث نماید بدون و غیره
 دیگر چه صورت دارد چنانچه بعد از شناسان شود از حق
 احبط دارد و از جهت نفعده اسباب اختلاف و
 اختلاف الامر و ثبوت نیست جواب است که بجا هر یک

شخصی نصب فرماید **سوره ۲۹۶** مازود از قبل حاکم
 امور را شرعیه دیگر بر اذن دهند و امر صفای امور
 با وضا با اذن دهند و فوت شو حاکم زنده است از
 واسطه باطل میشود یا چون باذن من له الولاية الشرعیه
 بوده خود مستقل بنورد فوت او معتبر نیست و فوت
 نصب اذن چنانچه بعضی گفته اند هست تا **خبر حسن**
 اگر مازود در نصب است و نصب کرده معلوم نیست
 فوت معتبر باشد یا نه نوشته خانی از ائمه است چون
 مجال تا قتل نبود اگر چه بعضی از آنها تا قتل نخواهد
 رفت تنک و مجال کم بادی نظر را نوشتم
 والله تعالى الموفق للصواب بعد
 انفق الفراغ من تحرير المسائل

السنة والنسب والمنازل للعبد المذنب احمد القرشي
 بن زید نقشبند خراسانی که زید و حشر بن زید



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
کتابخانه ملی ایران